|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **مردی در تبعید ابدی** | نادر ابراهیمی | روزبهان | غریبه... |
| **توضیح:**  مردی در تبعید ابدی عنوان رمانی از نادر ابراهیمی است که به شرح زندگی پرفراز و نشیب، و عقاید فلسفی-عرفانی صدرالدین محمد قوام شیرازی پرداخته است.  از متن کتاب: محمد شانه به شانۀ شیخ به راه افتاد. گرچه کوتاه‌تر از شیخ بود و شانه‌هایش، خود به خود قدری پایین‌تر از شانه‌های شیخ؛ اما در معنا، دوشادوش شیخ بهاءالدین می‌رفت، نه چون شاگردان شیخ، مختصری در قفا؛ و در آسمان، ماهِ نیم‌دایرۀ پریده‌رنگی را دید و ستاره‌یی را نزدیکِ آن، بسیار کمرنگ‌تر از ماه اما به هر حال، نزدیک ِ ماه، و مهتاب نتوانسته بود آن ستارۀ مقاوم را در پرتو خویش، محو و ناپیدا کند. محمد جرات یافت که بگوید:- شیخ! می‌بخشید! عکسِ ما، آنجا، در آسمان افتاده است. ملاحظه می‌فرمایید؟ | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **چهل نامه کوتاه به همسرم** | نادر ابراهیمی | روزبهان | ارکیده |
| **توضیح:**  از متن کتاب: بشنو، بانوی من! برای آن که لحظه هایی سرشار از خلوص و احساس و عاطفه داشته باشی، باید که چیزهایی را از کودکی با خودت آورده باشی؛ و گهگاه، کاملاً سبکسرانه و بازیگوشانه رفتار کرده باشی. انسانی که یادهای تلخ و شیرینی را ، از کودکی ، در قلب و روح خود نگه ندارد و نداند که در برخی لحظه ها واقعاً باید کودکانه به زندگی نگاه کند ، شقی و بی ترحم خواهد شد... | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **آتش بدون دود** | نادرابراهیمی | روزبهان |  |
| توضیح:  آتش، بدون دود، رمان بلندی است که در هفت جلد منتشر شده و نویسنده در آن پس از اشاره به زیبایی‌های ترکمن‌صحرا در سه جلد اول، در چهار جلد بعد به شیوه‌ای داستانی-تاریخی به بیان مبارزات انقلابی معاصر پرداخته است. از متن کتاب: زندگي، قبل از هرچيز زندگي ست. گل مي خواهد، موسيقي مي خواهد، زيبايي مي خواهد. زندگي، حتي اگر يكسره جنگيدن هم باشد، خستگي در كردن مي خواهد. عطر شمعداني ها را بوييدن مي خواهد. خشونت هست، قبول؛ اما خشونت، أصل كه نيست، زايده است، انگل است، مرض است. ما بايد به اصلمان برگرديم.  زخم را-كه مظهر خشونت است- با زخم نمي بندند. با نوار نرم و پنبه پاك مي بندند، با محبت، با عشق... | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **ابن مشغله** | نادر ابراهیمی | روزبهان | جولیک |
| توضیح:  ابن مشغله که به نوعی مقدمه‌ای است بر کتاب ابولمشاغل؛ و شاید بتوان گفت که جلد یک آن است. در مورد زندگی خود نویسنده است. کتاب با کشیدن آب حوض توسط نویسنده آغاز می‌شود. و در طول داستان ابن مشغله کارهای متفاوتی را انجام می‌دهد. درواقع ابن مشغله فرزند کار است. کار می‌کند و یاد می‌گیرد. در کتاب دوم که ابولمشاغل نام دارد ابن مشغله که دیگر سن و سالی از او گذشته، به حدی باتجربه شده است که خودش را نه فرزند که در نقش پدر کار می‌بیند. در کل می‌توان گفت کتاب تجربیات کاری ابراهیمی است. تجربیاتی که گاه با شکست روبرو می‌شود و گاه با پیروزی. | | | |
| 1. **تکثیر تأسف‌برانگیز پدربزرگ** | نادر ابرهیمی | روزبهان | جولیک |
| توضیح:  قهرمان این رمان تخیلی – علمی، پدربزرگ، قربانی یک اشتباه است؛ اشتباه دوستانی مصلحت‌اندیش که فقط خیر او را می‌خواهند. اما این خیر‌خواهی، در عصر رایانه‌ها و لیزر‌ها و انرژی خورشیدی و اعضای مصنوعی و مهندسی ژنتیک به بهای گران تمام می‌شود، به از دست دادن پدربزرگ؛ پدربزرگ ‌با آن سبیل‌های سفیدش، ‌حکایت نگاهش، با لبخند‌ها، خشم‌ها و مهربانی‌هایش، با فردیتش. فاجعه از اعتنا نکردن به حرف خود پدربزرگ آغاز می‌شود. که مرتب می‌گفت: شما به چه حقی فکر می‌کنید که مصلحت مرا بهتر از خودم می‌دانید؟ چرا خود را مجاز می‌دانید به جای دیگران درباره‌ی منافعشان تصمیم بگیرید؟ | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **رونوشت بدون اصل** | نادرابراهیمی | روزبهان | سیدرمضان حسینی |
| توضیح:  روایتی متفاوت از مفهوم زندگی و مرگ ، جنگ، توهم، عشق، مبارزه، وطن خواهی و سکوت  کتاب شامل هفت داستان می باشد که هر کدام موضوعی متفاوت دارند.  به موضوع هر داستان از زاویه دیگری نگاه و تعریف شده است. به عنوان مثال در داستان کارمرگ، راوی به شهری دعوت می شود که اصلا روی نقشه کره زمین نیست و قطاری که او را به مقصد می برد تنها یک مسافر دارد چرا که میزبان فقط او را دعوت کرده است. مردم این کشور مراسم سنتی دارند به اسم کارمرگ (بدون کسره ر ) همه باید این مراسم را انجام دهند و تااین مراسم در شناسنامه آنان ثبت نشود ، اعتبار ندارند.کسی که کارمرگی می کند، تمام مراسم یک مرگ واقعی را قبول می کند و البته تحمل، از آغاز تا زمانی که سنگ بر گور بگذارند و آن شخص زمانی کوتاه در تاریکی مطلق گور بسر خواهد برد و سپس سنگ برداشته می شود و مراسم تمام... چرا که به نظر آنان ، انسانِ مرگ آشنا، بی نیاز از تباه کردن روح است و راوی این مراسم را تجربه می کند. | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **برجاده‌های آبی سرخ** | نادرابراهیمی | روزبهان | حنا |
| **توضیح:**  میر مَهنای دوغابی، اصلی ترین شخصیت این داستان، سردار بی پروای دریای جنوب است: "زِبَر مردی که ایران، فراوان بدهکار اوست"؛ بدهکاری که تا این لحظه، فرصت پرداختن بخش ناچیزی از دین خود را به او نداشته است؛ چرا که استعمار، در طول دو قرن، خیره سرانه کوشید که نام این سالار پیکارگرِ با ایمان را آنچنان پنهان نگه دارد که گویی هرگز وجود نداشته است. | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **سه دیدار** | نادرابراهیمی | سوره مهر | حنا |
| توضیح:  کتابی سه جلدی که جلد سومش هیچگاه منتشر نشد! کتاب «سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می ‏آمد» در جلد نخست خود با عنوان «رجعت به ریشه‏ ها» داستان ‏بلندی از زندگی امام خمینی (ره) را روایت می کند که در آن نویسنده ‏کوشیده ابعاد مختلف شخصیت رهبر انقلاب را در قالب یک داستان بلند مورد توجه قرار دهد. شرح وقایع دوران کودکی امام (ره) و شکل‏ گیری شخصیت وی در دامن پرمهر مادر و صاحبه خانم (عمه ایشان)، مرام و منش پدر امام (ره) و نحوه ‏شهادت ایشان، حضور بنیانگذار کبیر انقلاب در کلاس درس مدرس، بررسی ‏شجره ‏نامه اجداد، امام و شرحی از زندگی پدر بزرگ ایشان، مراحل‏ آشنایی امام (ره) با دفتر حاج‏ آقا ثقفی تا ازدواج، موارد و عناوینی است که نویسنده به شرح آنها پرداخته است. «در میانه میدان» عنوان جلد دوم مجموعه «سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می‏ آمد» است که روایتی دیگر از زندگینامه امام خمینی (ره) در قالب‏ داستان است. خاطراتی از پدر در زندان شاهی و شهادت وی در آنجا در ایام قبل از تولد امام ، استفاده از افکار و سخنان عمه «صاحبه خانم»، دوران مبارزه در جوانی، حضور با برادر جهت ‏تحصیل علوم حوزوی در اصفهان، سال مصیبتی که “وبا” ۸ تن ازنزدیکترین بستگان «امام خمینی» را به کام مرگ کشاند، حکایت هایی از همسر امام (ره) که همیشه یاور و مشوق همسرش در راه‏ مبارزات سیاسی بودند، خاطراتی از مبارزات رجال آن زمان و… از مهمترین موضوعاتی است که در این کتاب مورد توجه نویسنده قرار گرفته است. | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **من او** | رضا امیرخانی | سوره مهر |  |
| **توضیح:**  داستان مربوط به زندگی فردی به نام علی فتاح است و عشق پاک او با دختر خدمتکار خانواده اش به نام مه تاب که به دلیل اعتقاد علی به عشق پاک تا زمانی که از عشق راستین خود مطمئن نشده از ازدواج امتناع می‌کند و در خلال داستان از راهنمایی‌های درویشی مصطفی نام، از سلسله‌ای نامعلوم کمک می گیرد که نقش مهمی در داستان نیز دارد. مه تاب و علی هر دو عاقبت ناکام از دنیا می روند تا در جهان آخرت با یکدیگر ازدواج کنند. دو راوی در داستان هستند، یکی خود رضا امیرخانی و دیگر قهرمان داستان (علی فتاح)و این دو ماجراهای زندگی علی فتاح را از کودکی تا لحظهٔ مرگ / ازدواج، روایت می‌کند | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **ارمیا** | **رضا امیرخانی** | **افق** | فرشته |
| **توضیح:**  امیر خانی در مورد این کتاب می گوید: «من هيچ وقت سعي نكردم نويسنده شوم. وقتي شروع كردم به نوشتن ارميا (كه فكر مي كنم داستان بلند يا شايد رمان باشد) هنوز فرق بين داستان كوتاه و رمان و داستان بلند را نمي دانستم. به زحمت فرق شعر و داستان را مي دانستم. اما احساس مي كردم بايد اين قصه را نوشت. فقط چنين فشاري بود. فكر مي كنم محتوا بيشتر به ما فشار آورد. به نظر من «چگونه نوشتن» كاري است كه آدم به مرور زمان حتماً ياد مي گيرد. اما «چه نوشتن» سؤال اصلي است. هميشه از «چه نوشتن» است كه يك نويسنده كم مي آورد. چگونه نوشتن را با كمي متمركزشدن در نوشتن، مثلا چند سال نوشتن، مي توان به دست آورد. حالا چه در روزنامه بنويسد و چه براي خودش بنويسد، ياد مي گيرد كه چگونه بايد بنويسد.  من از سؤال چه نوشتن شروع كردم نه از چگونه نوشتن؛ فكر مي كنم به خلاف جريان رايج.» | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **جانستان کابلستان** | **رضا امیرخانی** | افق | سیدرمضان حسینی |
| توضیح:  از متن کتاب: عادت غریبی هم که دارند این است که نظافت تشتاب را اول کار انجام می دهند ، نه آخر کار ! یعنی هرکس مجبور است نظافت کند گندکاری های نفر قبلی را و به همین قیاس و استقرا ، دلیلی نمی بیند تا سلسله را به هم بزند ! فرق فرهنگ کثیفی با تمیزی در ترتیب همین سلسله مراتب است دیگر ، اول تمیز کنی یا آخر ! | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **بی وتن** | رضا امیرخانی | علم | دچار |
| توضیح:  بیوتن داستان «ارمیا»ست رزمنده ای که تا آخر جنگ جبهه بوده اما شهید نشده و حالا بعد از جنگ هر سه شنبه سراغ دوست شهیدش ،سهراب، میرود ،دوستانی که با هم قرار گذاشته بودند با هم شهید شوند اما حالا قبر ارمیا خالی است.در یکی از همین سه شنبه ها با دختری به نام آرمیتا آشنا می شود، یک ایرانی مقیم آمریکا.ارمیا که بعد از اولین دیدارش با آرمیتا فکر می کند که او همان کسی است که دنبالش بوده، به تدریج و طی دیدارهای بعدیشان که باز هم در همان قبرستان است با یکدیگر قرار ازدواج می گذارند، روز عید فطر. اما ارمیا برای زندگی با آرمیتا، باید بلند شود برود آمریکا زندگی کند و این شروع داستان است، داستان یک بچه جنگ توی نیویورک، به قول خودش «آخر بچه کربلای 5 را چه به فیفث اونیو؟» | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **قیدار** | رضا امیرخانی | افق |  |
| توضیح:  رمانی درباره‌ی جوان‌مردی و نکوداشتِ این رفتار. محوریت این رمان درباره‌ی شخصیتی است به نام قیدار که دست‌گیر مردمان و درماندگان است. | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **از به** | رضا امیرخانی | نیستان | Divane |
| توضیح: نامه های چند خلبان جنگی و افراد مرتبط به آنها در زمان جنگ ایران و عراق به همدیگر با نثری و لحن بسیار زیبا | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **ناصر ارمنی** | رضا امیرخانی | نیستان | ارکیده |
| **توضیح:** تنها مجموعه داستانی که از رضا امیرخانی منتشر شده است. امیرخانی را بیشتر با رمان می‌شناسند اما ناصر ارمنی فعالیت‌ ادبی این نویسنده جوان و نام‌آشنا در حوزه داستان کوتاه است. زبان اثر جذابیت‌های کارهای او را دارد و شیطنت‌هایی در سوژه و نوع نگاه و پایان‌بندیهای خاص و متفاوت از ویژگیهای ناصر ارمنی است. | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **جام جهانی در جوادیه** | داوود امیریان | بنفشه - قدیانی |  |
| توضیح:  گروهی‌ از بچه‌های‌ محل‌ كه‌ فوتبال‌ سرگرمی‌ اصلی‌ آنهاست‌، تصميم‌ می‌گيرند مسابقاتی‌ با نام‌ جام‌ دوستی‌ را بين‌ محله‌های‌ شهرشان‌ برگزار كنند. اما اتفاقاتی‌ رخ‌ می‌دهد كه‌ بچه‌هايی‌ از كشورها و مليت‌های‌ ديگر نيز به‌ اين‌ مسابقات‌ راه‌ می‌يابند و جام‌ دوستی‌ به‌ "جام‌ جهانی‌ جواديه‌" تبديل‌ می‌شود. | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **داستان‌های شهر جنگی** | حبیب احمدزاده | سوره مهر | بلوط خانم |
| توضیح:  مجموعه داستان هایی از جنگ ولی با روایت و دیدی متفاوت. نویسنده جنگ را به گونه یی دیگر روایت کرده است. در چاپ هفتم کتاب ضمیمه جالبی هم وجود دارد که خواندنش خالی از لطف نیست | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **شطرنج با ماشین قیامت** | حبیب احمدزاده | سوره مهر | میم نون |
| توضیح:  رمان سعی بر این دارد که به ‌گونه‌ای متفاوت و با نگاهی فلسفی به وقایع و رخدادهای جنگ بپردازد. شخصیت اصلی داستان رزمنده بسیجی جوانی است که طی عملیاتی محرمانه پیرامون یافتن محل استقرار رادار فرانسوی سامبلین، به واسطه هم‌رزمش پرویز، با افراد و شخصیت‌هایی درگیر می‌شود. این شخصیت‌ها در قالب یک مهندس بازنشسته پالایشگاه نفت که به نوعی نماینده انسان‌هایی است که از دید عقلانی و فلسفی به جنگ و وقایع آن می‌نگرند، دو کشیش و یک دختر شکل می‌گیرند. و در واقع هریک نماینده قشر خاصی از مردم درگیر با جنگ هستند. | | | |

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| 1. **برف سمفونی ابری** | | | پیمان اسماعیلی | | چشمه | سلوچ |
| توضیح: کتاب از هفت داستان کوتاه تشکیل شده است. فضاسازی این داستان‌ها بر اساس برف و سرماست و اتفاق‌هایی که در آن جریان دارد اغلب در غرب کشور رخ می‌دهد. «میان حفره‌های خالی»، «مرض حیوان»، «لحظات یازده‌گانه سلیمان»، «مردگان»، «یک هفته خواب کامل»، «یک تکه شازده در تاریکی»، «گرای پنجاه‌و‌پنج» عنوان داستان‌های کتاب است. ناشر درباره کتاب آورده است: « در تک‌تک داستان‌های این مجموعه نوعی هراس موج می‌زند که خواهی نخواهی ذهن مخاطب را به درون خود می‌کشند، هراس‌هایی که در تاروپود وضعیت داستانی نهادینه شده‌اند و به یک نوع ایجاد حس باور رسیده‌اند. اسماعیلی در این داستان‌ها شیوه‌ی برخورد با یک موضوع رعب‌آور را در حدی قابل قبول از کار درآورده و بر خلاف داستان‌های مشابه از نویسندگان دیگر به دامان شیوه‌های فانتزی نیافتاده است. آنچه که در این داستان‌ها حضوری فعال دارد نقش روان آدمی در ساختن موجوداتی هراس‌آور است. موضوعی که گاه در قالب پرهیب یک موجود مولد ترس تجلی می‌یابد. شاید توفیق نویسنده در رسیدن به مرزهای گونه‌ی "گوتیک" در داستان "مرض حیوان" بیش از داستان‌های دیگر باشد، زیرا در این داستان عنصر دلهره از همان آغاز با روح مخاطب پیوند می‌خورد و همراه با روند داستان به اوج خود می‌رسد.» | | | | | | |
| 1. **مدیر مدرسه** | جلال آل احمد | | | | امیرکبیر | جولیک |
| توضیح:   منتقدان این رمان را بهترین اثر آل ‌‌آحمد می‌دانند.راوی این داستان معلمی است که از وضعیت شغلی خود ناراضی است و برای بهبود آن به مدیر مدرسه رو می‌آورد غافل از آنکه این عمل او چه دردسرهایی در پی خواهد داشت. مدیر مدرسه همه‌ی توان خود را به کار می‌گیرد تا کمبودها را برطرف و مشکلات را حل کند. اما در این شرایط محیطی امکان اصلاح وجود ندارد و مدیر تصمیم می‌گیرد که استعفا دهد. | | | | | | |
| 1. **سنگی بر گوری** | جلال آل احمد | | | | رواق | جولیک |
| توضیح:   این کتاب کوتاه در شش فصل نوشته شده‌است. آل‌احمد این کتاب را در سال ۱۳۴۲ به نگارش درآورد، ولی کتاب تا سال ۱۳۶۰، درست ۱۲ سال پس از مرگش، منتشر نشد. ماجرای کتاب، تک گویی راوی است درباره اینکه خودش (جلال) و همسرش (سیمین دانشور) بچه دار نمی‌شوند. کتاب با این جمله آغاز می‌شود: هر آدمی سنگی است بر گور پدرش. | | | | | | |
| 1. **پنج داستان** | | | | جلال آل احمد | معین | خورشید |
| توضیح:  **«**پنج داستان» عنوان کتابی از جلال آل احمد، نویسنده و مترجم ایرانی است که در بردارنده‌ی داستان‌های «گلدسته‌ها و فلک»، «جشن فرخنده»، «خواهرم و عنکبوت»، «شوهر آمریکایی»، «خونابه‌ی انار» و «مثلا شرح احوال» است. کتاب فوق دو سال پس از فوت آل احمد به چاپ رسیده است. و داستان‌های آن بیانگر حوادث و شرایط دو دهه اول قرن چهاردهم است. در مجموع نگاه آل احمد به معضلات اجتماع و فشارهای حاکم بر مردم، نگاهی عمیق و قابل تامل است. در داستان شوهر آمریکایی، داستان دختر غرب‌زده‌ی نگون‌بختی روایت می‌شود و داستان خونابه‌ی انار، تجسمی غیر مستقیم از جامعه‌ی آن زمان است. در سایر داستان‌های این مجموعه نیز نویسنده، به صورت غیر مستقیم، به نوعی اعتراض دست زده‌ است. | | | | | | |
| 1. **ای کاش گل سرخ نبود** | | | منیژه آرمین | | سوره مهر | بشری |
| توضیح:  همان‌طور که خود آرمین نیز می‌گوید، رمان او اصلاً تاریخی نیست! این رمان دغدغه تاریخ ندارد بلکه به دنبال بازتاب اجتماعی برهه‌ای از تاریخ است. «دغدغه من در این رمان تضادهایی است که در درون شخصیت گللر وجود دارد و این تضاد‌ها به فضای اجتماعی دوران وی بازمی‌گردد.» گللر دختر آفتاب و مهتاب ندیده حاج حسن آقا می‌داند که با رفتنش، پدر به مرگ تدریجی می‌افتد. می‌رود و به دستور مهدی مو‌هایش را کوتاه می‌کند. مطابق با آخرین مد روز و یادآور عنوان تاریخی «گیس‌بریده» | | | | | | |
| 1. **شب و قلندر** | | | منیژه آرمین | | سوره مهر | بشری |
| توضیح:  منیژه آرمین با رمان «شب وقلندر»، ما را می‌برد به ماجرای افراسیاب که سرکرده چهل دزد است و در سرخ کوه پناه گرفته‌ و کاروانیان را تاراج کند. اما این همه ماجرا نیست و تحول و سرگشتگی افراسیاب، اساس این رمان را شکل می‌دهد. نگارنده با تبعیت از ساختار رمان رشد و کمال، بالندگی و استحاله افراسیاب را بیان می‏کند. روایت از جایی شروع می‏شود که افراسیاب در یک غارت، قالیچه‌ای در میان بارِ مسافران می‏یابد و فقط اوست که از بین دیگر دزدان صدایی شبیه لالایی مادران در سیاه چادرها را از درون قالیچه می‌شنود که با صدای بادِ صحرا آمیخته شده است. سپس ناگهان تصویر زنی روی قالیچه زنده می‌شود و زن از میان قالی بیرون می‏آید. افراسیاب پس از سال‌ها راهزنی، با دیدن زن درون قالیچه دچار کابوس می‌شود و همراه قالی و بی خبر، از راهزنان جدا شده و در جستجوی حقیقت و یافتن جایی که فکر می‏کند صدای درون قالیچه مربوط به آنجاست به راه می‌افتد و از خود می‌پرسد: «من کیستم؟» | | | | | | |
| 1. **قصه‌های بهرنگ** | | صمد بهرنگی | | | نگاه | خورشید |
| توضیح:  این کتاب مجموعه ایست از نوشته های صمد بهرنگی طی سالیان مختلف از عمرش . برخی از این داستانها عبارتند از: ادبیات کودکان - اولدوز و کلاغها - اولدوز و عروسک سخنگو - کچل کفتر باز - پسرک لبو فروش -سر گذشت دانه ی برف - پیرزن و جوجه طلایی‌اش - دو گربه روی دیوار - سر گذشت دومرول دیوانه سر - افسانه محبت - یک هلو هزار هلو - ۲۴ ساعت در خواب و بیداری - کوراوغلو و کچل حمزه | | | | | | |
| 1. **بخارای من ایل من** | محمد بهمن‌بیگی | | | | آگاه - تهران |  |
| توضیح:  مجموعه داستان کوتاه بهمن بیگی، نخستین داستان، بوی جوی مولیان است. به همراه هجده داستان کوتاه دیگر از زندگی عشایری | | | | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **چراغ ها را من خاموش می‌کنم** | زویا پیرزاد | مرکز | سارا خانی |
| توضیح:   این کتاب نخستین بار در سال 1380 هجری خورشیدی منتشر شد و تا کنون بیش از هفتاد بار تجدید چاپ شده است. علت نامگذاری کتاب را میتوان نقش زن به عنوان محور اصلی خانواده به عنوان خاموش کننده چراغها دانست. داستان در دهه 1340 هجری خورشیدی در محله بوارده آبادان رخ می‌دهد. راوی این داستان، زنی ارمنی است به نام «کلاریس آیوازیان» که در این داستان، از روابط خانوادگی خویش، فرزندان دو قلو و دنیای عاطفی آنها و از همسایه‌ هایی سخن می‌گوید که اینک در آبادان ـ در خانه‌ های سازمانی ـ زندگی می‌کنند. تلاش برای انس گرفتن با محیط، بن مایه دیگر داستان است. موضوع اصلی یکنواختی زندگی یک زن خانه دار و خستگی او از این روند، و دل بستن به مرد همسایه ای که فکر میکند دنیای بهتری برای او به ارمغان خواهد آورد، و در موازات آن گریزی زده میشود به اوضاع سیاسی آن موقع و تفکرات اجتماعی مردمان آن سالها. | | | |

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| 1. **شب سراب** | | ناهید پژواک |  | هانیه |
| توضیح:  این کتاب با اقتباس از کتاب بامداد خمار توسط مولف به جهت اینکه احساس مینمود حرفهایی از رحیم ناگفته مانده و محبوبه تنها به قاضی رفته نگاشته شده است. | | | | |
| 1. **کافه پیانو** | | فرهاد جعفری | چشمه | ارکیده |
| **توضیح:**  خیلی وقت بود احساس بی فایدگی و بی مصرف بودن می کردم و علاوه بر این؛ یکبار که دختر هفت ساله ام برداشت و ازم پرسید: «بابایی تو چه کاره ای؟!» هیچ پاسخ قانع کننده ای نداشتم که بهش بدهم. یعنی راستش را بخواهید به خودم گفتم: «تا وقتی هنوز زنده ام، چند باز دیگر ممکن است پیش بیاید که این را ازم بپرسد و من چند بار دیگر می توانم ابرویم را بیندازم بالا و بهش بگویم: «خودمم نمی دونم بابایی.» اما اگر می نشستم و داستان بلندی می نوشتم و بعد منتشرش می کردم؛ می توانستم بهش بگویم: « اگر کسی یک وقت برگشت و ازت پرسید بابات چه کاره است، حالا توی مدرسه یا هرجای دیگری؛ یک نسخه از کافه پیانو را همیشه توی کیفت داشته باش تا نشانشان بدهی و بهشان بگویی بابام نویسنده اس. حالا شاید خوب ننویسه، اما نویسنده اس.» | | | | |
| 1. **سروته یک کرباس** | محمدعلی جمالزاده | | سخن |  |
| توضیح:  کتاب یادآوری خاطرات و درباره داستان و سرنوشت کودکانگی نویسنده است و از آن جایی که میدان آن رخدادها اصفهان است آن را می‌توان «اصفهان نامه» نیز نامید. راوی پس از 35سال به اصفهان باز گشته است، در حالی که پرسه زدن در دنیا، جز آلودگی و پریشانی و تلخکامی حاصلی برایش نداشته است، ایشان اینک کنار زاینده رود بنشسته و گذر شتابناک عمر خویش را مرور می‌کند. نویسنده هنگام توصیف زندگی پدر خویش، روحانی مشروطه خواهی که عمرش به درگیری متعصبان و حکام گذشت، وضع سیاسی ـ اجتماعی ایران در دوره مشروطه را نیز شرح می‌دهد، و زمینه‌ های شکل‌گیری روحیه ی دموکرات و تعصب گریز خود را می‌نمایاند. | | | | |
| 1. **یکی بود یکی نبود** | محمدعلی جمالزاده | | تهران - سخن |  |
| توضیح:  محمدعلي جمالزاده را همراه با صادق هدايت و بزرگ علوي سه بنيانگذار اصلي ادبيات داستاني معاصر فارسي مي‌دانند. داستان کوتاه «فارسي شکر است» را که در کتاب «يکي بود يکي نبود» او چاپ شده‌است، عموما به عنوان نخستين داستان کوتاه فارسي به شيوه‌ي غربي مي‌شمارند. اين داستان پس از هزار سال از نثرنويسي فارسي نقطه عطفي براي آن به شمار مي‌رفت. به علاوه، مقدمه‌ي جمالزاده بر کتاب «يکي بود يکي نبود» سند ادبي مهم و در واقع بيانيه‌ي نثر معاصر فارسي است. در اين مقدمه جمالزاده به تاکيد بيان مي‌کند که کاربرد ادبيات مدرن نخست بازتاب فرهنگ عامه و سپس انعکاس مسائل و واقعيت‌هاي اجتماعي است. | | | | |
| 1. **تلخ و شیرین** | محمدعلی جمالزاده | | سخن |  |
| توضیح:   از متن کتاب؛ مقدمه ی محمدعلی جمال زاده بر اثر خویش: تو ز تلخی، چون که دل، پُر خون شوی - پس ز تلخیها همه بیرون شوی زآن حدیث تلخ، میگویم تو را - تا ز تلخیها فرو شویم تو را . . . (مثنوی مولوی)؛ خوانندگان عزیز: باز به یاری پروردگار تعدادی از داستان های تازه و کهنه ی خود را به شکل کتابی به اسم «تلخ و شیرین» به هموطنان گرامی تقدیم میدارم و امیدوارم با همه ی خامی و عیبها و نقصهایی که دارد، ساعتی چند کام خوانندگان را شیرین ساخته، تلخکامی روزگار را از خاطرشان ببرد؛ چه تلخ و چه شیرین، هرچه هست شمّه ای از زندگانی تلخ و شیرین مردم مظلوم و محبوب و دوست داشتنی این سرزمین است، که ما آن را وطن یا به اصطلاح امروز، میهن خود میخوانیم. امید است در این قصه ها آنچه مربوط به دوره های گذشته است، ما را به یاد آن روزگار بیندازد، و موجب پیوند تازه ای میان ما و آنها گردد، و رشته ی دلبستگی ما را با آن دوران، از آنچه هست، استوارتر سازد، چه آینده هرچه باشد، باز ریشه اش در گذشته است. . .؛ و نمیتوان منکر شد که احترام به گذشته ها، خصوصا گذشته های خوب و دلپذیر، که میتوان آن را تاریخ و ملیت و سنن نام نهاد، و قوام قومیت و سیادت دانست، از شرایط آدمیت و از ارکان مسلّم تمدن واقعی به شما میآید، و انصاف نخواهد بود که ما آن را به چیزی نگیریم و به رایگان از دست بدهیم. شمار دیگری از این قصه ها در شرح و بیان پاره ای از اوضاع و احوال کنونی مملکت ما و مردم ماست، و نمونه ی بسیار ناچیزی از هزاران مصائب و بدبختی هایی که همه گفتنی و نوشتنی است. | | | | |
| 1. **تنگسیر** | صادق چوبک | | نگاه |  |
| توضیح:  تنگسیر را بسیاری شاهکار صادق چوبک می دانند. بی تردید تنگسیر واقع گراترین داستان این نویسنده ی جنوبی می باشد. داستانی بر مبنای عدالت خواهی و سر به شورش برداشتن مردی که در تنگنای رذالت های معتمدین یک شهر، حاصل عمری زحمتش را بربادرفته می بیند و چون هیچ مرجعی را برای دادخواهی نمی یابد، تحمل این ننگ را نمی کند، سلاح برمی گیرد و همه ی آنان که سال ها تحقیرش کرده و نیش زبانش زده اند مجازات می کند. | | | | |
| 1. **سنگ صبور** | صادق چوبک | | جاویدان |  |
| توضیح:  اصطلاح سنگ صبور در فرهنگ عامه ایرانی برای کسی یا چیزی به کار می‌رود که شنونده همه دردها و رنجهای آدمی است. سنگ صبور درد دل‌ها را می‌شنود و غمخواری می‌ورزد. ساختار این رمان بر اساس تک گویی یا مونولوگ است. تمام شخصیت‌ها در فصولی جداگانه به شیوه راوی اول شخص و به زبان گفتاری حرف می‌زنند. تکنیک یا صناعت رمان شیوه جریان سیال ذهن است که جیمز جویس پیش‌تر در رمان معروف خود اولیس اجرا کرده بود. احمدآقا شخصیت اصلی این رمان است، که با نگاهی تیزبین، خرافه، جهل و تهیدستی مردم شیراز یا مردم ایران را به تصویر می‌کشد. تمام رمان و تمام تک گویی‌ها بازتاب جهان تاریک و خون‌آلودی است که نویسنده از ایران در سال‌های اوایل قرن بیستم تصویر می‌کند. | | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **بامداد خمار** | فتانه حاج سیدجوادی | البرز | مریم |
| **توضیح:**  بامداد خمار داستان عبرت‌انگیز سیاه بختی محبوبه در زندگی با عشقش رحیم است که از همان برگهای نخست داستان آغاز می‌شود و همه کتاب را دربرمی‌گیرد. با آنکه ماجرا در روزهای نخست زمامداری رضاشاه روی می دهد، جز یکی دو مورد، همچون کشف حجاب، به دیگر جنبه‌های سیاسی و اجتماعی زمانه هیچ اشاره‌ای نمی‌شود. محبوبه، دختر بصیرالملک بافرهنگ و اشرافی عاشق یک شاگرد نجار می‌شود. خواستگارانش را رد می‌کند و در برابر خانواده آنقدر مقاومت می‌کند تا خانواده به ازدواج او رضایت می‌دهد، اما او را طرد می‌کند به طوری که نه او اجازه دارد به خانواده‌اش سری بزند و نه در هفت سال زندگی محبوبه با رحیم، کسی از خانواده به او سری می‌زند. | | | |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| 1. **داستان کمیک شاهنامه** | | سیدمصطفی حسینی | نشر خراسان | | سیدرمضان حسینی |
| **توضیح:**  داستان‌های شاهنامه به‌صورت پی‌نما(کمیک) با خط داستانی منسجم‌تر و روایتی نو و کامل. تا به حال سه مجموعه داستان رستم در هفت‌خوان(سه جلد)، زال و سیمرغ (یک جلد) و زال و رودابه(دو جلد) از این پی‌نماها به چاپ رسیده است. | | | | | |
| 1. **دا** | | سیده زهرا حسینی | سوره مهر | | بلوط خانم |
| توضیح: "دا" روایت خاطرات سیده زهرا حسینی در بصره و خرمشهر است که سالهای محاصره خرمشهر توسط نیروهای عراقی محور مرکزی این کتاب را تشکیل می‌دهد. این کتاب از زبان دختر 17 ساله گوشه ای از تاریخ جنگ تحمیل را بازگویی می‌کند و به اعتقاد اغلب کارشناسان مهمترین و تاثیرگذارترین کتاب در زمینه خاطره نگاری دفاع مقدس محسوب می‌شود. | | | | | |
| 1. **هستی** | | فرهاد حسن زاده | کانون پرورشی فکری کودک و نوجوانان | | میم نون |
| توضیح:  هستی دوازده سال دارد و ساکن آبادان است. او روحیه عجیبی دارد. کارهای او به هیچ وجه به دختران شبیه نیست. او دوست دارد با پسرها فوتبال بازی کند و با دایی جمشید به موتور سواری برود و راندن موتور را از او یاد بگیرد. | | | | | |
| 1. **کتاب آه** | | یاسین حجازی | جام طهور | | سیدرمضان حسینی |
| **توضیح:**  «کتاب آه» کتابی است که توسط «یاسین حجازی» ویراستاری و توسط نشر «جام طهور» منتشر شده و به قول خود ویراستار، بازخوانده ای از کتاب «نفس المهموم» مرحوم شیخ عباس قمی است؛ کتابی کاملاً متفاوت که به زبان امروزی نزدیک شده است. | | | | | |
| 1. **استاد عشق** | | ایرج حسابی | سازمان چاپ و انتشارات | | ام اسی خوشبخت |
| توضیح:  نگاهی به زندگی و تلاشهای پروفسور سید محمود حسابی پدر علم فیزيک و مهندسی نوین ایران | | | | | |
| 1. **سرمه سرا** | رامبد خانلری | | | آگه | سلوچ |
| توضیح:  من، شما و تمام آدم­‌هایی که می­‌شناسیم و نمی‌­شناسیم در زندگی چیزهای با ارزشی را از دست داده­‌ایم؛ گاهی با ارز­ش‌­ترین چیزمان را. این چیزهای با ارزش بعدِ از دست رفتن به کجا می‌­روند؟ به جایی به نام سورمه­ سرا. سه سال پیش همسرم را از دست دادم یعنی سه سال پیش همسرم خودش را کشت. حالا بعد از سه سال نامه‌ه­ایی از او به دستم رسیده است. خط و ربط خودش است و نامه را همین دیشب یا پریشب نوشته است. روی پاکت نامه مهر اداره پست سورمه‌سرا است. می‌­خواهم تا سورمه‌سرا بروم و ببینم که چه‌­جور جایی است؟ اگر شما هم ارزشمند­ترین چیز زندگی‌تان را از دست داده‌­اید، شال و کلاه کنید با هم برویم... | | | | | |
| 1. **مرگ از من فرار می‌کند** | | مصطفی چمران | | روایت فتح | سیدرمضان حسینی |
| **توضیح:**  «مرگ از من فرار می کند» داستانهایی شنیدنی از عارف بی نظیر جبهه هاست. داستان هایی از روزهایی که «مصطفی چمران» در امریکا درس می خواند، از روزهایی که در لبنان می جنگید، از روزهایی که در دهلاویه و سوسنگرد مسوول عملیات چریکی شده بود. نامه های خواندنی مصطفی به خدا، داستان زندگی عاشقانه ی او با همسرش، روایت شجاعت ها و کرامات مصطفی از زبان همسر او، همرزمان و دوستانش در این کتاب آمده است. | | | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **جای خالی سلوچ** | محمود دولت آبادی | چشمه | خورشید |
| توضیح: جای خالی سلوچ رمانی رئالیستی از محمود دولت‌آبادی است که بلافاصله پس از آزادی از زندان ساواک و طی ۷۰ روز نوشته‌است. دولت‌آبادی داستان آن را به هنگامی که دوره سه ساله حبس را می‌گذراند در ذهنش پرورانده بود. داستان جای خالی سلوچ روایت دردمندانه زندگی یک زن روستایی در یکی از نقاط دورافتاده ایران است که سعی می‌کند پس از ناپدید شدن ناگهانی شوهرش کانون خانواده را همچنان حفظ کند. جای خالی سلوچ توسط کامران رستگار به انگلیسی ترجمه شده و در سال ۲۰۰۷ منتشر شد. همچنین ترجمهٔ ایتالیایی آن نیز توسط آنا ونسن انجام گرفته‌است. | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **کلیدر** | محمود دولت آبادی | فرهنگ معاصر |  |
| ‍ توضیح:   این رمان که به صورت دوره‌ی ده‌جلدی تدوین شده، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات معاصر ایران دارد. بسیاری از منتقدان و صاحب‌نظران حوزه‌ی ادبیات، این اثر را بزرگ‌ترین و ماندنی‌ترین رمان در ادبیات فارسی می‌دانند. کلیدر نام کوه و روستایی در خراسان است و داستان، سرنوشت غم‌انگیز یک خانواده‌ی کرد را که به سبزوار کوچانده شده‌اند و زندگی رعیت‌ها و قبایل چادرنشین این منطقه را در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ روایت می‌کند. | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **سلوک** | محمود دولت آبادی | چشمه | Divane |
| توضیح:سلوک روایتگر حکایتی عاشقانه است و به روایت خود او حکایت : قلب ـ دل ـ همان مفهوم قدیمی و باستانی که فرهنگ ما بر محور آن ریخت یافته یا از ریخت افتاده است. | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **جزیره سرگردانی** | سیمین دانشور | خوارزمی |  |
| توضیح:  جزیره سرگردانی رمانی است از سیمین دانشور که در سال 1372 چاپ شده است. جلد دوم این کتاب با نام ساربان سرگردان نیز در سال 1380 به چاپ رسید. افسوس که جلد سوم این رمان هرگز به چاپ نرسید. جزیره‌سرگردانی روشنگر زوایایی از زندگی اجتماعی ماست که با تاریخ سرزمین‌مان عجین شده و در قالبی کلاسیک شکل گرفته است. نویسنده در جزیره سرگردانی واقعیات اجتماعی سیاسی سال‌های ملتهب انقلاب را از دید یک زن به تصویر می‌کشد. | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **ساربان سرگردان** | سیمین دانشور | خوارزمی |  |
| توضیح:  رمان ساربان سرگردان، درواقع جلد دوم کتاب جزیره سرگردانی است. اگر جزیره سرگردانی را نخوانده‌ای در ابتدا آنرا مطالعه کنید.  هستی دختر جوان و هنرمندی است که تغییر عقاید او در طول دوران انقلاب اسلامی در این داستان روایت می‌شود. پدر او از طرفداران مصدق بوده و کشته شده و مادرش هم مجددا ازدواج کرده است. هستی به همراه مادربزرگ خود زندگی می‌کند. هستی از طریق دوستش مراد که یک توده‌ای است، وارد مبارزات سیاسی می‌شود، سپس دستگیر شده و همراه با مراد به جزیره ای شنی در وسط کویر تبعید می‌شود و داستان ادامه پیدا می‌کند. | | | |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. **سووشون** | **سیمین دانشور** | خوارزمی |  |
| توضیح:  داستان سووشون در شهر شیراز و در سالهای پایانی جنگ جهانی دوم رخ می‌دهد و فضای اجتماعی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ را ترسیم می‌کند. نویسنده در این رمان زندگی فئودالی در زمان اشغال ایران از سوی انگلیسی‌ها را به نگارش درآورده‌است. یکی از ویژگی‌های سووشون ساختار ساده و بیان روان آن است و در متن آن از برخی واژه‌های عامیانه شیرازی استفاده شده‌است. | | | |

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| 1. **زیباتر** | | | سینا دادخواه | | | | زاوش | | | | | | | | | | آذری قیز |
| توضیح:  برگ درخت ها توی باد صدای امواج دریا می دادند. انگار دریا قدم آن طرف تر بود. واقعیت آن قدر نزدیک بود که آدم فکر می کرد اختلال ذهنی است. در هوای دَم کرده ی تابستان، برگ درخت ها نبودند که صدای آب می دادند؛ رودخانه ی واقعی درکه بود. قلب هومن تند می زد. زمان تند می گذشت. گلسا دختری بود مثل باقی دختر ها. گلسا دختری نبود مثل باقی دختر ها. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **دشت بان** | | | احمد دهقان | | | نیستان | | | | | | | | | | | حنا |
| توضیح:  در آخرین روزهای تابستان، خانواده ناصر (راوی داستان) در تب و تاب باز شدن مدرسه هستند. پدر ناصر، دشت‌بان است و در باغی، در کنار رود الوند(در نزدیکی قصر شیرین) زندگی می‌کند. جنگ به آن‌ها هجوم می‌آورد و به یکباره کوچ مردم شهر و روستا آغاز می‌شود. ناصر و خانواده‌اش نیز به ناچار همراه می‌شوند. مردم شهر پیاده از پیش روی دشمن می‌گریزند. اما صبح روز بعد دشمن جاده را می‌بندد و شکار آغاز می‌شود. ناصر و خانواده‌اش به یکی از دره‌های اطراف می‌گریزند و در غاری مستقر می‌شوند. پدر ناصر، برای کمک به مردم شهر می‌رود و ناصر، گلنار(خواهر)، مادر و پدر‌بزرگ می‌مانند. پس از چند روز پدر زخم‌خورده باز می‌گردد. دشت‌بان همچنان که روایت‌گر مبارزه این خانواده است‌، از سوی دیگر جا‌به‌جا عشق مردم به هم را به تصویر می‌کشد. داستان ماجراهای مختلفی را بازگو می‌کند. زمستان سر می‌رسد و آن‌ها مجبورند با طبیعت خشمگین هم مبارزه کنند. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **سفر به گرای 270 درجه** | | | احمد دهقان | | | سوره مهر | | | | | | | | | | | حنا |
| توضیح:  احمد دهقان اهل شعار نیست، حرف‌ از ایده و عقیده هم نمی‌زند، اما به جای اینها قهرمان داستانش ناصر و خواننده را با خود از فضای گرم و راحت خانه برمی‌دارد و می‌برد درست وسط کارزار جنگ. حالا خواننده با چشم خود می‌بیند چگونه ناصر و دیگر رزمندگان، حماسه‌ای بزرگ را خلق می‌کنند، بی‌آنکه حرف‌های بزرگ بزنند یا ادعاهای عجیب و غریب داشته‌اند. ناصر رمان سفر به گرای 270 درجه که به مرخصی تحصیلی آمده و بعد از امتحاناتش دوباره با بچه‌محلش علی به جبهه برمی‌گردد، راوی قصه احمد دهقان است؛ راوی شوخ‌طبعی که هم خودش لحن سرخوشانه و طنزآلودی دارد و هم در میان اتفاقات جبهه و جنگ، با نگاهی تیزبین، آنها را که سویه‌ای طنازانه دارد، شکار و روایت می‌کند.» در بخشی از داستان می‌خوانیم: «جلوتر، آدم‌های سالم و مجروحین و اجساد، مچاله شده‌اند و کیپ هم نشسته‌اند. برای این که اجساد جای کمتری بگیرند، رو دو زانو نشانده‌اندشان. شاید هم برای این که خود را بفریبند که همه زنده‌اند و سالم و آماده به جنگ. یکی از ته کانال فریاد می‌کشد: بچه‌های 25 بکشن عقب. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **درشتی** | | | علی اشراف درویشیان | | | چشمه | | | | | | | | | | |  |
| توضیح:  مجموعه داستان کوتاه.  از متن کتاب: پسرک خیس از باران، نی‌ها را در چنگ می‌فشرد. بی‌حرکت، درجا خشکش زده بود و به آن سوی برکه ماتش برده بود. گاه لرزشی سراپایش را تکان می‌داد. بارانِ شفاف، میله‌میله و تک‌تک، فضا را می‌برید و مه در بین تکه‌ها میلغزید. سیاه‌پوش‌ها، تفنگ‌هاشان را از زیر بارانی‌ها درآوردند و زانو زدند. همه‌جا خیس بود و آب برکه بالا می‌آمد. یکی از آن‌ها، از جیب بغلش کاغذی بیرون آورد و با زبان ناآشنایی که پسرک چیزی از آن نفهمید، خواند. تند و تند و با لکنت خواند. ورقه‌ خیسید، وارفت و به دست مرد چسبید. مرد با زحمت کاغذ را از دست‌های خود کند و تکه‌تکه روی زمین پرت کرد؛ اما یکی از تکه‌ها به دامن بارانی‌اش چسبید و همان‌جا ماند. غرّشی میله‌های بلورین باران را لرزاند. غوطه خورک‌ها در نیزار پنهان شدند. اولی، آن که دستش بادپیچی شده بود، از جای خود تکان خورد. مشت‌های گره‌کرده‌اش را به هم فشرد. فشار و ضربة گلوله‌ها، نفر سوم و چهارم را که نوجوان و لاغر و باریک بودند، چند وجب به هوا پرت کرد. از دور چیزی ترکید و باران شدیدتر از پیش آوار شد. غوطه‌خورکِ هراسانی، از کنار پای پسرک گذشت و با شتاب سر خود را در پوشال‌های دامنة نیزار فرو برد؛ اما دُم و پاهای زرد رنگش با پره‌های گشوده. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **سال‌های ابری** | | | **علی اشرف درویشیان** | | | چشمه | | | | | | | | | | |  |
| توضیح:  سال‌های ابری رمانی است که وقایع آن در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ می‌گذرد. درویشیان در این اثر با رویکردی سیاسی و مبارزه‌جویانه به ایران دهه‌های ۲۰ تا ۵۰ پرداخته است. نویسنده در این اثر درونمایه‌های آثار قبلی‌اش را بار دیگر به کار می‌گیرد و آن‌ها را بر پهنه گسترده‌تری از تاریخ و زندگی به نمایش می‌گذارد. از این‌رو، خواننده‌ی آثار پیشین درویشیان فضا و بسیاری از حوادث داستان را آشنا می‌یابد. این امر قابل توجیه است اگر به قصد نویسنده توجه داشته باشیم. در صفحه ۱۲۸۸، یکی از قهرمانان رمان به راوی می‌گوید: "تاریخ مبارزات مردم ما همه‌اش بریده‌بریده است و تشکیل شده از یک سلسله قطع رابطه. ما با انقلاب مشروطه چه رابطه‌ای داریم؟ از قیام‌های قبل از مشروطه چه می‌دانیم؟ پس از مرداد سی ‌و ‌دو چه اندازه از تجربه‌هایی را که با خون و زندان و شکنجه به دست آمده، نگهداشته‌ایم؟ همیشه پا در  هوا بوده‌ایم. بدون تکیه‌گاه، بدون آگاهی از گذشته." تمامی سعی نویسنده در این رمان زندگینامه‌ای، صرف آگاهی دادن از گذشته به خوانندگانی می‌شود که آن سال‌ها را نگذراند‌ه‌اند و با آن ماجرا‌ها درگیر نبو‌ده‌اند. زندگینامه‌نویسی نوعی تاریخ‌نویسی است. درویشیان نیز از ورای شرح حال شریف داوریشه تاریخ معاصر را مرور می‌کند. او در سال‌های ابری چگونگی تحول اجتماعی را با شرح شکل‌گیری شخصیت و عقاید قهرمان اثر در‌می‌آمیزد. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **آبشوران** | | علی اشرف درویشیان | | | | چشمه | | | | | | | |  | | | |
| توضیح:  آبشوران نام محله ای در کرمانشاه است که نویسنده در آن محله پا به این دنیا گذاشته، کتاب نخستین بار با نام مستعار ایشان لطیف تلخستانی، به چاپ رسید. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **دیلمزاد** | | محمد درودگر | | | | شهرستان ادب | | | | | | | | میم نون | | | |
| توضیح:  دیلمزاد رمانی با سبکی بدیع و خلاقانه است که در زمرۀ رمان‌هایِ نخبه‌گرا جای می‌گیرد. داستان از دریچه و زاویۀ دید من و تو روایت می‌شود: «خواستم چند جمله‌ای به زبان چوپان‌ها حرف بزنم» و در صفحاتی بعدتر می‌خوانیم: «شاید بپرسی وقتی فهمیدی جنگل نیستم چرا دوباره نصف شب راه افتادی دنبالم». تغییر زاویۀ دید در جای‌جای داستان مشاهده می‌شود؛ کاری تعمدی و آگاهانه از جانب نویسنده برای تغییر حال و هوای داستان. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **گچ پژ** | | محسن رضوانی | | | | سوره مهر | | | | | | | |  | | | |
| **توضیح:**  گچ پژ مجموعه تک نوشته هایی است که در قالب طنز نگاشته شده است. این کتاب اولین اثر منتشر شده محسن رضوانی است . وی با قلمی متفاوت به موضوعات مختلف پرداخته است. انتخاب متن: سر شب، ایوان منزلتان خبرهایی بود... گویا علمک ماهواره تان را سفت کاری می کردید. کاش یک استانبولی از آن گچ ها هم، خرج دل ما می کردی،که آن قدر نلرزد موقع روبرو شدن با شما... دست کم، شبیه آن دیش فلزی باش؛ دریافت کن این همه سیگنالی که تا حالا فرستاده ایم. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **چه کسی از دیوانه‌ها نمی‌ترسد** | | **مهدی رضایی** | | | | افکار | | | | | Divane | | | | | | |
| توضیح:. کتاب چه کسی از دیوانه‌ها نمی‌ترسد نام رمانی است درباره معلم جوانی به نام آرمان پاکروان که ادبیات درس می دهد و همسرش نیز در یک مجله خانوادگی مشغول به کار است و در آپارتمانی زندگی می کنند که یک پیرمرد وبلاگ نویس هم در همسایگی آنهاست. همسایه ای که گاه راوی یا همان معلم جوان را وادار می کند تا مطالب وبلاگ یا ایمیل های فورواردی را برایش بخواند. همسرش هم نامه ای طولانی از یکی از خوانندگان مجله را به خانه آورده و بلند بلند می خواند (نامه در مورد بلاهایی است که بر سر دختر جوان آمده است که منتهی به انجام قتلی شده است). راوی از همان ابتدای داستان خودش را دیوانه خطاب می کند و در ذهن خود با موجودی خیالی به نام نسترن زندگی می کند. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **ماه به روایت آه** | | ابوالفضل زرویی نصرآباد | | | | نیستان | | | | | میم نون | | | | | | |
| توضیح:  نویسنده در این کتاب کوشیده تا از زبان دوازده راوی ، ناگفته هایی از قبل و بعد از شهادت پرچمدار کربلا را با امانتداری ، پایبندی به مستندات تاریخی و روایی و پرهیز از اغراق ، روایت کند.‏ بر خلاف انتظار ، در کتاب به شکل و شیوه ی شهادت حضرت ابوالفضل(ع) اشاره ای نشده و نویسنده عمده ی همت خود را صرف بازگویی و رازگشایی از اموری کرده که با وجود جذابیت برای مخاطب ، متاسفانه کمتر بدانها پرداخته شده است ؛ اموری همچون خانواده ی مادری ، کودکی ، ازدواج ، فرزندان ، برادران ، حیطه ی دانش و معرفت و جایگاه آن حضرت در میان اهل بیت و مسلمانان آن روزگار. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **عزاداران بیل** | | غلامحسین ساعدی | | | | نگاه | | | | |  | | | | | | |
| توضیخ:  عزاداران بَیَل مجموعه هشت داستان پیوسته درباره فلاکتهای مدام مردمان روستایی به نام بَیَل است. این کتاب را غلامحسین ساعدی نگاشته است و در سال ۱۳۴۳ چاپ شده است. این مجموعه از داستانهای روستایی غلامحسین ساعدی محسوب می‌شود. به نظر جمال میرصادقی دیگر نویسنده ایرانی و منتقد ادبی، منبع الهام ساعدی نقاب مرگ سرخ اثر ادگار آلن پو بوده است. از روی داستان چهارم این مجموعه فیلمنامه گاو نوشته و فیلم گاو ساخته شد. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **کارت پستال** | | روح‌انگیز شریفیان | | | | | مروارید | | | | | | | | | ارکیده | |
| **توضیح:**  به حياط ، چمن ها و پرچين ها سرسبز و شاداب دور حياط نگاهي انداخت . دلش مي خواست آن جا را با با دل سير تماشا کند . دلش مي خواست به قضاوت زندگي اش بنشيند. به قضاوت عمري که در آن خانه و سالهايي که در آن کاروان گذرانده بود. از خودش مي پرسيد آيا يک نيمه روز براي زندگي کافي است ؟ مگر در يک چشم به هم زدن مي توان همه آنچه را که از سر گذرانده بود، مجسم کند و به يادآورد ؟ روزي کسي گفته بود: همه زندگي ام را مي توانم در نيم ساعت برايت تعريف کنم | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **کمی دیرتر** | | سیدمهدی شجاعی | | | | نیستان | | | | | | | | | غریبه... | | |
| **توضیح:**  این اثر که از چهار فصل زمستان، پاییز، تابستان و بهار تشکیل شده، نگاهی است متفاوت و نقادانه به فضای انتظار جامعه امروز. رمان با یک اتفاق شگفت و غریب آغاز می‌شود، جشن نیمه‌شعبان و مجلسی پرشور و بسیاری که فریاد "آقا بیا" سرداده‌اند… رمان در فضایی مکاشفه‌گونه و بیزمان پیش می‌رود و مواجه همه آدم‌ها را می‌بینیم با قصه ظهور… و کشف چرایی "آقا نیا"ی جوان. شجاعی در این رمان همه اقشار و همه آدم‌ها را با بهانه‌هایشان برای نخواستن امر ظهور، دقیق و ظریف معرفی می‌کند. تا آنجاکه حتی به راوی هم رحم نمی‌کند و در فضایی بسیار بدیع،‌ خودش را هم در معرض این امتحان می‌گذارد. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **طوفان دیگری در راه است** | | سیدمهدی شجاعی | | | | نیستان | | | | | Divane | | | | | | |
| توضیح:  شجاعی با اولین رمان خود یعنی طوفان دیگری در راه است, واقعا طوفانی به پا کرده است. تحول آدم ها در این رمان دیدنی است. ولی به نظر بنده پایان داستان می توانست خیلی بهتر تمام شود. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **سقای آب و ادب** | | سیدمهدی شجاعی | | | عبدالله کوثری | | | | | نیستان | | | | | | | |
| توضیح:   رمان و روایتی از زندگی حضرت عباس(ع)، که بعد از سال‌ها، اندک اندک جامه خلق پوشیده و این روزها در ظرف کتاب تقدیم مخاطبان شده است. رمان به یقین متفاوت است با آثاری از همین قلم، هم از حیث فرم و هم از حیث نوع نگاه محتوایی. اثر شامل ده فصل است: عباسِ علی. عباسِ ام‌البنین. عباسِ عباس. عباسِ سکینه. عباسِ مواسات. عباسِ زینب. عباسِ ادب. عباسِ حسین. عباسِ فرشتگان. عباسِ فاطمه. در هر فصل رفت و برگشت روایی متعدد و متنوعی دیده می‌شود و در حرکتی سیال، راویان جای به هم می‌دهند و شکست‌ها به سرعت خوانش می‌افزاید و زوایایی جدید از مفهوم را روشن می‌کند. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **کشتی پهلو گرفته** | | سیدمهدی شجاعی | | | مدرسه | | | | | | | | | حنا | | | |
| توضیح:  غمنامه شهادت مظلومانه حضرت فاطمه زهرا (س) | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **آفتاب در حجاب** | | سیدمهدی شجاعی | | | نیستان | | | | | | | | |  | | | |
| توضیح:  توصیفی زیبا از شخصیت حضرت زینب (س) | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **پدر، عشق و پسر** | | سیدمهدی شجاعی | | | نیستان | | | | | | | | حنا | | | | |
| توضیح:  در این کتاب نویسنده اززبان اسبی که توفیق این را داشته است که در طول صد و ده سال،‌از کودکی پیامبر تا پس از بعثت، مرکب او و برادرش حضرت علی و فرزندانش امام حسن و امام حسین تا علی اکبر- یعنی شبیه ترین مردم به پیامبر- باشد، با زبانهای گوناگون روزنه هایی به واقعه کربلا می گشاید تا در آینه آن،‌ به تبیین رابطه شگرف این پدر و پسری بنشیند | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **عاشقی به سبک ونگوک** | | محمدرضا شرفی خبوشان | | | شهرستان ادب | | | | | | آرزوهای نجیب | | | | | | |
| توضیح:  داستان در روزهای اوج انقلاب و به سال ۵۷ باز می گردد که روایت یک مامور گمنام را بیان می کند. به قول نازلی، نقاشی آدم را کر می کند؛ شنوایی آدم را می برد توی رنگ ها و نقاش وقتی به نقاشی فکر می کند، یا وقتی دارد تابلویش را می کشد، هم رنگ ها را می بیند و هم رنگ ها را می شنود. بو و مزه ای که حس می کند، بو و مزه رنگ است و با دمب باریک و بلند قلم مو، لمسش را هم به تن تابلو می ریزد و گاهی اصلا هوس می کند به این لمس آن قدر میدان بدهد که از وک انگشتش برای در هم کردن و ساختن رنگ ها استفاده کند.ّ | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **بی کتابی** | | محمدرضا شرفی خبوشان | | | شهرستان ادبی | | | | |  | | | | | | | |
| توضیح:  ماجرای این رمان ریشه در تاریخ دارد. شرفی خبوشان توضیح داده است: مظفرالدین شاه کتابداری به نام لسان‌الدوله را به ریاست کتابخانه منصوب می‌کند. هر نسخه‌ و اوراقی از نسخ معروف در موزه‌های جهان است مربوط به این دوره است که این فرد از کتابخانه‌ها خارج کرده است. در این دوره 5 هزار جلد از نسخ نفیس کتابخانه گلستان به سرقت می‌رود. این موارد با به توپ بسته شدن مجلس تنیده شده، شخصیت اصلی دلال کتاب است که در این اثر به کتابسازی، کتابداری و صحافی و برخی هنرهای مرتبط با کتاب می‌پردازد و مخاطب را از زوایای دیگر از تاریخ کتاب پردازی مطلع می‌کند. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **موهای تو خانۀ ماهی است** | | محمدرضا شرفی خبوشان | | | علمی فرهنگی | | | | | آرزوهای نجیب | | | | | | | |
| توضیح:  «موهای تو خانه ماهی‌هاست» رمانی است که همه ویژگی‌های یک رمان خوب نوجوان را دارد. راوی یک پسربچه نوجوان است و لحن کتاب خیلی خوب با سن و سال و نوع نگاه راوی هماهنگ است. کنار ماجرای اصلی یکی دو تا خرده داستان فرعی هم وجود دارد که این خرده داستان‌ها برای نوجوان‌ها جذاب خواهد بود. حجم کتاب هم کمتر از نود صفحه است که خواندنش را حتی برای نوجوان‌های کم‌حوصله آسان می‌کند. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **وقتی دلی** | محمدحسن شهسواری | | | | شهرستان ادب | | | میم نون | | | | | | | | | |
| توضیح: سوفی آموندسن دختری است که در آستانه‌ پانزده‌سالگی با ماجرای عجیبی روبه‌رو می‌شود، او نام‌هایی از جانب فرد ناشناسی دریافت می‌کند که او را به تفکر در مورد ابتدایی‌ترین سؤالات فلسفی و خودشناسی وا‌می‌دارد. اولین سؤالی که او با آن مواجه می‌شود این است که تو کیستی؟ و این سؤال با یک علامت سؤال بزرگ در برابر آن آغاز کتاب است. این شخص بعدتر خود راآلبرتو کناکس فیلسوف معرفی می‌کند که قصد آموزش فلسفه به سوفی نوجوان را دارد. کتاب دنیای سوفی درواقع برای آشنایی اولیه با مفاهیم فلسفه است. اگر کسی علاقه‌مند به مطالعه در حوزه فلسفی است، این کتاب می‌تواند شروع مناسبی باشد. در کتاب مفاهیم پیچیده و دشوار به‌ندرت دیده می‌شود و همه‌چیز به‌سادگی توضیح داده‌شده است. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **ملکوت(تأویل ملکوت)** | | بهرام صادقی | | نیلوفر-کتاب زمان | | | | | |  | | | | | | | |
| توضیح:  **ملکوت**، تنها رمان و یا داستان بلند**بهرام صادقی** است. ملکوت، اثری**سوررئال** و شخصیت محور است که تمام داستان حول محور دو شخصیت به نام های **دکتر حاتم**و **م.ل** می گذرد، در حالی که شخصیت های دیگری از جمله ناشناس، مرد چاق، آقای مودت، شکو و ساقی همه  در حاشیه اند. عنصر پررنگ داستان ، **مفهموم مرگ**و مرگ اندیشی است که در مقابل میل به جاودانگی قرار دارد. شاید همین مضمون است که باعث شده عده ای این اثر را متاثر از **بوف کور**هدایت بدانند. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **سنگر و قمقمه‌های خالی** | | بهرام صادقی | | نیلوفر-کتاب زمان | | | | |  | | | | | | | | |
| توضیح: این مجموعه، شامل سی داستان کوتاه از بهرام صادقی است. که داستان‌های سراسر حادثه، شب به تدریج، اقدام میهن پرستانه، کلاف سردرگم، وعده‌ی دیدار با جوجوجتسو، ورود، غیر منظره، سنگر و قمقمه‌های خالی، مهمان ناخانده در شهر بزرگ، خواب خون، در این شماره، زنجیر، تأثیرات متقابل از آن جمله‌اند. | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **سهم من** | | پرینوش صنیعی | | | روزبهان | | | | | | | مریم | | | | | |
| **توضیح:**  رمان «سهم من» یکی از رمان های اجتماعی جذاب است. جدا از خاصیت نثر روان و صمیمی داستان، طراحی فضای داستان به گونه ای است که خواننده راغب است بدون وقفه داستان را دنبال کند تااز ریتم و ضرباهنگ آن کاسته نشود. علاوه بر این، ویژگی های روانشناسانه و همچنین اجتماعی داستان در کنار فضای ملموس و واقعی آن، به جذابیت این رمان پانصد صفحه ای افزوده است.  "سهم من"، داستان زندگی زنی است، که از کودکی تا میانسالی روایت می شود. معصومه، دختر بچه ای از یک خانواده مذهبی است که در قم زندگی میکنند و قصد مهاجرت به تهران را دارند. ماجرا از اوایل دهه سی آغاز می شود و رفته رفته با بزرگ شدن معصومه، تحولات اجتماعی و فرهنگی در قالب انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، زندگی او را تحت تاثیر می دهد. | | | | | | | | | | | | | | | | | |

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| 1. **دختر شینا** | | | | | بهناز ضرابی زاده | | | | | | | سوره مهر | | | | | | | | | | | | | | | | |  | | | | |
| توضیح: روایت خاطرات همسر سردار شهید ستار ابراهیمی از شهدای برجسته استان همدان است که در عملیات والفجر 8 به شهادت رسید این کتاب داستان زندگی عاشقانه قدمخیر محمدی با شهید حاج ستار ابراهیمی است، کتابی جذاب، خوش خوان، با اتفاقاتی جالب از زندگی دختری که در روستا متولد میشود، بزرگ میشود و ازدواج می‌کند. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **من ژانت نیستم** | | | | | محمد طلوعی | | | | | | | افق | | | | | | | | | | | | | | | سلوچ | | | | | | |
| توضیح:  مجموعه داستان من ژانت نیستم،  اغلب در فضای رئال روایت می‌شوند و موقعیت‌های سوررئال را شکل می دهند. همچنین برخی معتقدند داستان‌های مستقل این مجموعه در ارتباط با هم روایت واحدی را می‌سازند.  داستان‌های این مجموعه را تماماً مردی روایت می‌کند که در عین وحدت شخصیت، وحدت زبان و یگانگی (برخی) روابط، در موقعیت‌های متفاوتی قرار گرفته‌ و گویی «طلوعی» هیچ ابایی ندارد که حتی گاهی او را با نام واقعی خود در داستان بگنجاند | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **گیله مرد** | | | بزرگ علوی | | | | | | | | | | | | | | | | | | نگاه | | | | | |  | | | | | | |
| توضیح:  برای بهتر شناختن «گیله مرد» می توان آن را با داش آکل هدایت و تنگسیر چوبک مقایسه کرد. در این دو داستان موضوع حول قهرمانی قهرمان دور می زند. داش آکل قهرمانی است که قربانی می شود اما به هر حال مساله فردی است و در تنگسیر زائرمحمد کم و بیش حال و هوایی ماجراجویانه دارد. در هر دو این فرد است که موقعیتی محوری دارد و… داستان حول و حوش خلق وخوی درونی و در واقع تجربه درونی آنان \_داش آکل و زائر محمد\_ دور می زند در حالیکه در «گیله مرد» موضوع چندان ارتباطی به خلق وخوی گیله مرد ندارد. حتی «طوفان جنگل و هوای بارانی و نمناک و نامناسب جانشین کیفیت روانی گیله مرد شده است.» زیرا داستان اساسا رئالیستی است و نقطه عزیمت واقعیت بیرونی است، گیله مرد بالاجبار و در موقعیتی ناخواسته درگیر ماجرا شده درحالیکه دوست دارد در همان جنگل و خانه روستایی اش زندگی کند اما اتفاقاتی در روستاها مثل بهره مالکانه گرفتن از روستا و حاکم شدن مالک او را به ناگزیر در موقعیت حساس قرار می دهد که او را وادار به داخل شدن در ماجرا می کند که نهایتا منجر به کشته شدنش می شود. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **میرزا** | | | بزرگ علوی | | | | | | | | | | | | | | | | | | انتشارات جاویدان | | | | | | سارا خانی | | | | | | |
| توضیح:  مجموعه شش داستان کوتاه از بزرگ علوی به طبع رسیده در سال 1383 | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **چشمهایش** | | | | بزرگ علوی | | | | | | | | | | | | | | | | نگاه | | | | | | | |  | | | | | |
| **توضیح:**  چشمهایش نام رمانی از بزرگ علوی است که برای نخستین بار در سال ۱۳۵۷ خورشیدی منتشر شد. بزرگ علوی در این رمان روش استعلام و استشهاد را به کار برده، بدین‌گونه که قطعات پراکندهٔ یک ماجرا را کنار هم گذاشته و از آن طرحی کلی آفریده است که برحدس و گمان تکیه دارد این شیوه بیشتر در ادبیات پلیسی معمول است. برخی معتقدند این رمان و شخصت استاد ماکان، با الهام از زندگانی کمال‌الملک نگاشته شده است و گروهی دیگر آن را شرح حالی از زندگی تقی ارانی می‌دانند. این کتاب از آثار معدود زبان فارسی است که در مرکز آن یک زن با تمام عواطف و ارتعاشات روانی و ذهنی قرار گرفته است. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **حکایت زمستان** | | سعید عاکف | | | | | | | | | | | | | | | | | | ابرار مشهد | | | | | | | | | | | | فرشته | |
| **توضیح:**  خاطرات عباس حسین مردی، دفاع مقدس | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **پنجشنبه فیروزه‌ای** | سارا عرفانی | | | | | | | | | | | | | | | | | نیستان | | | | | | | | | | | | محبوبه شب | | | |
| توضیح: «پنجشنبه فیروزه­ ای» با یک داستان سریع و سرضرب آغاز می­ شود. با روایتی از یک دانشجو که مخاطب می­ تواند به سادگی با آن هم ذات پنداری کند؛ دانشجویی که اهل ادا در آوردن نیست. اما رمان پس از این پیش ­درآمد وارد رابطه ظریف چند دختر دانشجو می­ شود که برای زیارت به مشهد مقدس وارد شده ­اند. شاید اوج رفتار عرفانی در نگارش این رمان و رو در رو قرار دادن سبک­ های مختلف زیستی در رمان را بتوان در این بخش رمان جستجو کرد. عرفانی با زیرکی و در عین حال رعایت جنبه های مختلف عفاف، مخاطب را به درون تو در توی ذهن دختران جوان دانشجویی می ­برد که در این سفر همراهند. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها** | | | | | | | | | رضا قاسمی | | | | | | | | نیلوفر | | | | | | | | | | | | | ابوالفضل | | | |
| توضیح:  این رمان اولین بار در سال ۱۹۹۶ در آمریکا و سپس در ایران منتشر شد.  رضا قاسمی با همین رمان در ایران شناخته شد و این اثر جزو بهترین آثار داستانی است که پس از انقلاب نگاشته شده است. همنوايي شبانه‌ي اركستر چوب‌ها برنده‌ی جايزه بهترين رمان اول سال 1380 بنياد گلشيري و برنده‌ی بهترين رمان سال 1380 منتقدين مطبوعات است و به عنوان رمان تحسين‌شده‌ی سال 80 جايزه مهرگان ادب انتخاب شده است. در بخشی از داستان می‌خوانیم: «مرد بياباني هميشه با سايه‌اش زندگي مي‌كند… كه هر جا مي‌رود يا به دنبال سايه‌اش مي‌رود يا سايه‌اش را به دنبال مي‌كشاند. مرد بياباني تنها ثروتش سايه‌ي اوست… به چشم خويش ديدم كه سايه‌ام در من ماند. و مرا از زير ناخن پاها بيرون كرد… از آن روست كه من خودم نيستم. كه اين لگدها كه دائم به بخت خويش مي‌زنم لگدهايي است كه دارم به سايه‌ام مي‌زنم. سايه‌اي كه مرا بيرون كرده و سال‌هاست غاصبانه به جاي من نشسته است.» | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **شوهر عزیز من** | | | | | | | | | فریبا کلهر | | | | | | | | آموت | | | | | | | | | | | | | آذری قیز | | | |
| توضیح:  این رمان درباره‌ی زندگی دختر نوزده‌ساله‌ای است که در سال‌های پس از انقلاب و آغاز جنگ شکل می‌گیرد. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانید: «دیگر علاقه‌ای به تعبیر خوابم ندارم. به‌قدری خوابی که درباره‌ی مهندس سین دیده‌ام از من دور شده که تعبیرش لطفی ندارد. شاید تعبیرش مرگ آقای آذر بود، شاید آمدن پروانه و پیداشدن سروکله‌ی نسرین ماجدی، شاید اخراج کوروش از کارش تعبیر خواب من بود. شاید هم باید زخم بیست و اندی سال پیش سر باز می‌کرد تا من دوباره رنج‌های خاموش و تلخ‌کامی‌هایم را مرور کنم. صدای شاهین را می‌شنوم که بهانه می‌گیرد به مدرسه نرود. اول صبحی هوس شنیدن قصه کرده است. به کوروش می‌گوید:  قصه‌ی احمد جغول بغول را برایم بگو!.. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **کنسرو غول** | | | | | | | | | مهدی رجبی، مژگان کلهر | | | | | | | | | | افق | | | | | | | | | | | آذری قیز | | | |
| توضیح:  رمان درباره‌ توکا کرمی، پسر بچه ‌ای عجیب و لاغرمردنی ست که بین دوستانش به کرم خاکی معروف شده. توکا از مدرسه بدش می‌آید ولی عاشق کتاب است به‌ ویژه داستان‌های جنایی و ترسناک. او پس از خواندن خاطرات جنایتکار معروف تصمیم گرفته مثل آن‌ها شجاع، قوی و پولدار شود... و سخن ناشر برای معرقی کتاب: «اولش که همه نمی‌تونن نترس باشن و برن بانک بزنن. هر کی از یه جایی باید شروع کنه. بچه که بودم از هر مغازه‌ای چیزی کش می‌رفتم. یه بار یه خمیردندون دزدیدم. به دردم که نمی‌خورد، مثل مشنگ‌ها همه ‌اش رو خالی کردم تو دهنم و تُفش کردم بیرون. دهنم تا بیست ساعت می‌سوخت. عمه ‌هه خبردار شد و همین ‌جوری که سیگار می‌کشید و لای دود غرق شده بود کتکم زد. پریدم دستش‌ رو عین تمساح گاز گرفتم و از خونه فرار کردم. عمه ‌هه لای دود جیغ می‌زد و می‌گفت: «دزد کثافت! دیگه برنگرد!» توکای ترسو و مردنی این‌ها را در کتاب خاطرات جنایتکاری مشهور خوانده است. او از مدرسه و ریاضی متنفر است و تصمیم گرفته شبیه جنایتکارها خشن، نترس و پولدار بشود. باید دید از پسش برمی‌آید یا نه؟» | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **روباه شنی** | | | | | | | | | محمد کشاورز | | | | | | | | چشمه | | | | | | | | | | | | | سلوچ | | | |
| توضیح:  روباه شنی، مجموعه‌ای از نُه داستان کوتاه با نام‌های «روز متفاوت»، «پرنده‌باز»، «گلدان آبی ، میخک‌های سفید»، «آهنگ پلنگ صورتی را سوت بزن»، «زمین‌ بازی»، «هشتِ شب میدان آرژانتین»، «راه‌رفتن روی آب»، «غار را روشن کن» و «روباه شنی» است. داستان‌های «روباه شنی» رویکردی مشابه دیگر داستان‌های نویسنده در مجموعه‌های پیشین دارند. طنزی تنیده در لایه‌های زیرین با رویکردی اجتماعی اما به دور از رئالیسم مرسوم وقرادهای کهنه‌ی آن. هرچند کمتر به سوی فرا واقعیت حرکت کرده اما به واقعیت موجود ـ اگر واقعیتی آن طور که گفته‌اند وشنیده‌ایم وجود داشته باشدـ هم بی‌اعتنا نبوده؛ نگاه کرده ،تاثیر پذیرفته، اما سعی کرده از زاویه‌ای تازه ببیند و بنویسد. موضوع داستان‌ها نه آن قدر برگرفته از اتفاقات معمول زندگی روزمره است که خواننده را به ملال دچار کند ونه پای‌بند حادثه‌های غریب که در شیوه‌ی داستان‌نویسی امروز جایی ندارد. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **شازده احتجاب** | | | | | | | | | هوشنگ گلشیری | | | | | | | نیلوفر | | | | | | | | | | | | | | خورشید | | | |
| توضیح: شازده احتجاب روایت فروپاشی نظام شاهی و خانی در سنت فرهنگی ایران است. شخصیت اول رمان که شازده احتجاب نامیده می‌شود در اوهام و گذشته به روایت قسمتی از استبداد و بیداد خود و خانواده‌اش می‌پردازد گلشیری در این رمان از شیوه‌ی سیال ذهن بهره می‌گیرد. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **پاییز فصل آخر سال است** | | | | | | | | | **نسیم مرعشی** | | | | | | | چشمه | | | | | | | | | | | | | |  | | | |
| **توضیح:**   این رمان دو بخش اصلی با نام‌های «تابستان» و «پاییز» دارد که هر کدام به سه فصل تقسیم‌بندی می‌شوند که تکه‌ی اول و دوم و سوم نامیده شده‌اند. هر کدام از این فصل‌ها هم توسط یکی از این سه دختر روایت می‌شود. این رمان برش‌هایی از زندگی سه دختر در آستانه‌ی‌ 30سالگی است. زندگی این سه دختر از دوران دانشگاه به هم گره خورده و حالا راهشان کاملا از هم جداست؛ اما روی زندگی هم تاثیر می‌گذارند. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **شعر به انتظار تو** | | | | | | | | | علی موذنی | | | | | | نیستان | | | | | | | | | | | | | | | ارکیده | | | |
| **توضیح:**   مجموعه داستانی ایرانی به قلم علی موذنی. علي موذني يکي از برجسته‌ترين داستان‌نويسان ايراني است. انتخاب سوژه‌هاي جذاب و منظرهاي بديع، شناخت و تسلط نسبت به عناصر داستان، نثر روان و صميمي و تاثيرگذار و ديالوگ‌هاي محکم و حساب‌شده مجموعه عواملي است که به داستان‌هاي علي موذني ويژگي خاص و منحصربه‌فرد بخشيده است. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **موسای عیسی** | | | | | | | | | علی موذنی | | | | | | نیستان | | | | | | | | | | | | | | | | ارکیده | | |
| **توضیح:**  از متن کتاب: موسی مرا یاد کرده است، یک جایی دور از اینجا، مطمئنم، و صدای او را که مرا یاد کرده است، نیل با خود جاری کرده است. پس هارون باید در نیل به صدای موسی شسته شود مگر دلتنگی‌اش رفع شود. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **نه آبی نه خاکی** | | | | | | | | | علی موذنی | | | | | | سوره مهر | | | | | | | | | | | بلوط خانم | | | | | | | |
| توضیح:  این کتاب، دفترچه یکی از شهدای جنگ تحمیلی «سعید مرادی» است که اکبر شاهدی مسؤل یکی از گروه های تفحص شهدا در میدان رزم یافته است. شهید مرادی در دفترچه اش نشانی نوشته و وصیت کرده دفترچه را به یکی از این سه نشانی بفرستند. حال این دفترچه را علی مؤذنی به صورت کتاب درآورده و در اختیار علاقمندان قرار داده است. این دفترچه خاطرات 6 سال حضور شهید مرادی در جبهه است که به قلم خود او نگاشته شده است. شهید مرادی در ابتدای کتاب، جریان وداع با خانواده اش برای حضور در میدان جنگ، سپس آشنایی اش با ابراهیم رحمانی، محمد جوادی، عباس شاکری، علی ماکت و رضا شعبانی و پسر پانزده ساله ای به نام رسول که همه این ها به جز ابراهیم رحمانی شربت شهادت را نوشیده اند، اکنون این دفترچه در دست ابراهیم رحمانی است. شهید مرادی در لشکر 17 علی بن ابی طالب (ع) بوده است. وی در این کتاب از هم رزمانش، دوستی هایش، صمیمیت و خلوص رزمندگان، شوخی ها و خنده هایشان، مناجات ها و راز و نیازهای خالصانه در تاریکی های شب، خواب دیدن امامان و... می گوید. همچنین او از نبرد تن به تن با دشمن، مشاهده صحنه شهادت رزمندگان و آموزش هایشان در آب و خاک نیز گفته است. نثر روان، ساده و بی ابهام اثر و استفاده گاه به گاه از تعابیر دقیق و وصفی زیبا و دقت در نقل جزئیات موجب شایستگی اثر شده است. اما به طور قطع می توان گفت آنچه مایه برتری این کتاب گردیده است نادربودن حوادث و شگفت نمودن وقایع است که برای صاحب خاطره به وقوع پیوسته است. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **آذر ماه آخر پاییز** | | | | | | | | | ابراهیم گلستان | | | | | | بازتاب‌نگار | | | | | | | | | | |  | | | | | | | |
| توضیح:  کتاب آذز، ماه آخر پاییز شامل هفت داستان کوتاه ست. نخستین اثر ابراهیم گلستان در زمینه داستان نویسی ست. ایشان این کتاب را در نیمه های دهه بیست، در سن 25 سالگی منتشر کرده اند. در هر هفت داستان، ترس و دلهره احساس میشود. ترس و دلهره ای که موجب تردید شخصیتها نیز هست. شخصیت هایی که در کنار هم جامعه ای را میسازند. جامعه ای که در یک کلام «درمانده» است، همانند شخصیتهای داستانها، که در کنار هم درماندگی یک نسل را نشان میدهند | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **خروس** | | | | | | | | ابراهیم گلستان | | | | | | | اختران | | | | | | | | | |  | | | | | | | | |
| توضیح:  از متن کتاب: وقتی که در زدیم از روی سردر خانه خروس انگار پارس کرد. این دیگر اذان نبود اگر پارس هم نبود. یا شاید اذان همیشه یاد این‌جور باشد، بجنباند. در هر حال ما از جایمان جستیم؛ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **دلاور زند** | | | | | | | | | نصرت نظمی، محمدابراهیم باستانی پاریزی | | | | | | عارف- ارغوان | | | | | | | | | | رضوی | | | | | | | | |
| توضیح:  کتاب در دو جلد به بررسی زندگی پرماجرای آخرین بازماندۀ سلسله زندیه، یعنی لطف‌علی‌خان زند می‌پردازد. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **آه باشین** | | | | | | | | | محمدکاظم مزینانی | | | | | | سوره مهر | | | | | | | | | | میم نون | | | | | | | | |
| توضیح:  نویسنده درباره اثر خود می گوید:« این رمان اصلاً ربطی به رمان «شاه بی شین» ندارد. «آه با شین» روایت کننده فعالیت یک مبارز انقلابی چپ با فضای فکری کمونیستی است که از دهه 20 شمسی و بدو تولد شخصیت اصلی داستان آغاز می شود و تا سال 90 ادامه دارد. در این رمان به نوعی به تناقضات و تفاوت های نسلی بین شخصیت اصلی و فرزندش اشاره داشته ام.» وی با تاکید بر اینکه «آه با شین» در واقع قسمت دوم یک تریلوژی درباره اوضاع قبل از انقلاب است، تصریح می کند:«آه با شین بر خلاف رمان قبلی ام یعنی «شاه بی شین» که داستان زندگی شاه را روایت می کرد و مبتنی بر اسناد تاریخی و برگرفته از یک واقعیت بود، رمانی است که نگاهش از پایین به بالاست و در واقع در چارچوب داستان و تخیل روایت می شود.» | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **من گنجشک نیستم** | | | | | | | | | مسطفی مستور | | | | | | مرکز | | | | | | | | | | Divane | | | | | | | | |
| توضیح:   از متن کتاب: «دراز کشیده‌ام روی تخت‌خواب. چشم‌ها را که می‌بندم خوابی که دیده‌ام مثل کابوسی باز توی کله‌ام رژه می‌رود. شش ماه گذشته اما کابوسش عین بختک افتاده است به جانم. توی این مدت که مرا آورده‌اند این‌جا سعی کرده‌ام فراموشش کنم، اما نتوانسته‌ام. سعی کرده‌ام خم شوم روی خودم تا نیمی از خودم را پاک کنم اما نتوانسته‌ام. بعضی‌ها همه خودشان را پاک می‌کنند و می‌روند. لابد می‌توانند. من نمی‌توانم.» | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **روی ماه خدارا ببوس** | | | | | | | | مصطفی مستور | | | | | | مرکز | | | | | | | | | | |  | | | | | | | | |
| توضیح: به نظر بسیاری از صاحب‌نظران حوزه‌ی ادبیات داستانی، این اثر که مخاطب عام و خاص را با خود همراه ساخته، از موفق‌ترین کارهای مصطفی مستور است. داستان حاضر، زندگی مردی که در مورد خودش و خدایی که تا چندی قبل می‌شناخته دچار شک و تردید شده است را روایت می‌کند. یونس دانشجوی دکترای پژوهشگری اجتماعی شخصیت اصلی داستان است. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **خرده روایت‌های بی زن و شوهری** | | | | | | | | مهسا ملک مرزبان | | | | | | آگه | | | | | | | | | | | سلوچ | | | | | | | | |
| توضیح:  ما خانه‌ها، کوچه‌ها، خیابان‌ها و آدم‌های زیادی را ترک گفتیم، اما اگر جرأت مرور خاطرات‌شان را داشته باشیم، لحظه‌ٔ پرتپشِ لرزش و ریزش دل را حتماً تجربه کرده‌ایم. لحظه‌ٔ سکوت پرهیاهویی که با تبانی ذهن سمج و دلِ ناماندگار پدید می‌آید و بس... بارها با خودمان گفتیم اگر دل هم مثل چشم در داشت می‌بستیم یا اگر بلد بودیم، ذهن را از خاطره‌ها، و حافظه‌ٔ بویایی را از تمام عطرهای گذشته خلاص می‌کردیم، اما بدون این‌ها تنهایی‌مان را چگونه پر می‌کردیم؟ آدم‌ها می‌آیند که بروند، رفتن‌شان به اندازه‌ی آمدن نامنتظر و تکان‌دهنده است و ما با توانی که نمی‌دانیم از کجا آورده‌ایم سنگین‌ترین اتفاق‌ها را ناباورانه تاب آوردیم، با صبری که به تلخی آموختیم، نظر‌کردن و گذرکردن پیشه کردیم با این باور که در گوشه‌ها و زوایا و پس و پشت تمامی هدف‌های بزرگ و کوچک‌مان تحفه‌ای به اسم زندگی خانه دارد که باید بتوانیم حظش را ببریم. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **قصه‌های مجید** | | | | | | | | هوشنگ مرادی کرمانی | | | | نشر معین | | | | | | | | | | | | | سیدرمضان حسینی | | | | | | | | |
| **توضیح:**   کتاب قصه‌های مجید داستان پسر نوجوانی است که همراه با «بی‌بی»، مادربزرگش، زندگی می‌کند. قصه‌های مجید جایزه‌ی ویژه‌ی «کتاب برگزیده‌ی سال 1364» را برای مرادی کرمانی به ارمغان آورده است. مجموعه فیلم‌های تلویزیونی قصه‌های مجید که براساس این داستان‌ها و به کارگردانی کیومرث پوراحمد ساخته شده، به یکی از پربیننده‌ترین مجموعه‌های صداوسیما تبدیل شد. مرادی کرمانی در آغاز این اثر می‌نویسد: «نشستم و، د بنویس. یک هفته، روزی سه چهار ساعت می‌نوشتم. همه‌ی حرف‌هایی که رو دلم تل‌انبارشده بود. از پشت‌صحنه‌ی قصه‌های مجید نوشتم. بسیار زیرکانه عمل کردم. به‌ جای اینکه از کس دیگری بخواهم این کار را بکند. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **شما که غریبه نیستید** | | | | | | هوشنگ مرادی کرمانی | | | | | | معین | | | | | | | | | | | | | جولیک | | | | | | | | |
| توضیح:  «شما که غریبه نیستید» شرح خاطرات دوران کودکی پر ماجرا اما جالب و خواندنی هوشنگ مرادی کرمانی است. خاطرات کودکی که گاه شیطنت و بازیگوشی‌اش خواننده را به خنده وامی‌دارد و گاهی هم مظلومیت‌ و تنهایی‌اش، چشم‌های مخاطب را خیس اشک می‌کند. در بخشی از کتاب آمده است: «نمی‌دانم، یادم نیست چند سال دارم. صبح عید است. بچه‌های مدرسه آمده‌اند به عید دیدنی پیش عمو. عمو قاسم، معلم است. جوان خوش‌لباس و خوش‌قدوبالایی است. کت و شلوار می‌پوشد. توی روستا چند نفری هستند که کت و شلوار می‌پوشند. «کت و شلوار فرنگی». کت و شلواری که رنگ کت با شلوار یکی است و شلوار را با کمربند می‌بندند؛ لیفه‌ای نیست. عمو، معلم مدرسه‌ی روستاست. من هنوز به مدرسه نمی‌روم...» | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **گرمازده** | | | | | | مهام میقاتی | | | | | | چشمه | | | | | | | | | | | | | سلوچ | | | | | | | | |
| توضیح:  از متن کتاب: آگهی را زده بودند به جدامانده‌ترین تیر چراغ‌برق که نزدیک دیواری بود که کوچه را بن‌بست می‌کرد. دیوارِ آجریِ تاب‌دار و رنگ‌ورو‌رفته‌ای که کسی اطراف آن پرسه نمی‌زد. چون پارک نسبتاً آرامی کنار دیوار بود، هیچ‌کس ترجیح نمی‌داد پای دیوار منتظر کسی بماند. بچه‌ها هم از وقتی زمین بازیِ کوچکِ توی پارک درست شد توپ‌های‌شان را به دیوار نمی‌کوبیدند. بعد از این‌که سطل زباله‌ی بزرگی سر آخرین کوچه گذاشته بودند کسی دیگر حتا کیسه‌های آشغال را هم پای دیوار ته کوچه نمی‌انداخت. رفتگرها برگ‌های زرد را جارو می‌کردند و پای دیوار جمع می‌کردند. چندبار دیده بودم باد تندی به ته کوچه می‌رسد و برگ‌ها را با خودش می‌برد به اتوبان پشت دیوار. انگار باد مثل یک جاروی بزرگ باری از دوش رفتگرها برمی‌داشت. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **درخت انجیر معابد** | | | | | | | | احمد محمود | | | | معین | | | | | | | | | | | | خورشید | | | | | | | | | |
| رمان درخت انجیر معابد آخرین اثری بود که از احمد محمود منتشر شد. از بسیاری جهات این رمان در ادبیات ایران کم‌نظیر است. از جملهٔ این ویژگی‌ها به تعدد پرسوناژهای اثر می‌توان اشاره کرد. در این رمان حدود ۲۴۰ شخصیت خلق شده که حدود ۶۰ تای آنها به طور مستقیم در داستان نقش دارند. دیگر ویژگی قابل ذکر نوع خاص حرکت در زمان است که با استفاده از عوامل مشترک در گذشته و حال انجام می‌شود و خواننده گاهی اوقات دقیقاً نمی‌داند در چه ظرف زمانی قرار دارد. موضوع داستان درختی است به نام انجیر معابد، که در مناطق جنوب ایران رشد می‌کنند و ریشه‌های هوایی و پیش رونده دارد. در فرهنگ مردم ایران این درخت درختی مقدس است. داستان از آنجایی شکل خاص به خود می‌گیرد که در تلاشی برای قطع کردن درخت، از آن خون جاری می‌شود. داستان حول و حوش اعضای خانواده‌ای می‌گذرد که این درخت در منزل آنان قرار دارد. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **مدار صفر درجه** | | | | | | احمد محمود | | | | | | معین | | | | | | | | | | | |  | | | | | | | | | |
| توضیح:  مدار صفر درجه رمانی سه‌جلدی نوشته [احمد محمود](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%AD%D9%85%D8%AF_%D9%85%D8%AD%D9%85%D9%88%D8%AF) است. او این رمان را در سال ۱۳۷۲ چاپ کرد. این رمان درباره وقایع [انقلاب ایران](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8_%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86) است که حوادث آن در شهر [اهواز](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%87%D9%88%D8%A7%D8%B2) اتفاق می‌افتد. شخصیت اصلی این کتاب باران نام دارد. شهرام عدیلی‌پور در نقدی درباره رمان مدار درجه صفر نوشته: «خلق تعداد زیاد شخصیت باعث شده او نتواند به‌خوبی و درستی به تمام شخصیت‌هایش بپردازد و زوایا وریزه کاری‌های آنان را از کار درآورد. قسمت‌های زیادی از رمان مربوط می‌شود به زندگی روزمره آدم‌هایی که بود و نبودشان هیچ تفاوتی در روند پیش‌برد رمان و وقوع حوادث آن ندارد… نویسنده در این رمان هم‌چون گزارش‌گری دقیق به تمامی زوایای زندگی مردمان سر می‌کشد و همه چیز را به‌دقت گزارش می‌دهد و دوربین‌اش همه چیز را به تصویر می‌کشد.» | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **زمین سوخته** | | | | | | احمد محمود | | | | | | معین | | | | | | | | | | |  | | | | | | | | | | |
| توضیح:  داستان زمین سوخته روایت 3 ماه اول جنگ ایران و عراق از زبان مردی اهوازی است که با وجود بمباران های متوالی و مرگ بسیاری از دوستان و آشناسان در آنجا می ماند. روایت جنگ از زبان محمود بسیار ملموس و تزدیک است. این داستان بقدری قابل لمس و حس هست که خواننده ای که در زمان اکنون داستان را میخواند احساس عجیبی پیدا میکند. با این که خواننده می داند جنگ هشت سال طول کشیده است اما روایت به قدری درد آور است که هر آن آرزوی تمام شدن جنگ را دارد و هر آن فکر میکند این جنگ تمام خواهد شد. جنگ و مشکلات آوارگان و در رسیدن کمک ها و افزوده شدن شهدا و خراب شدن خانه ها با قرائتی جدید و جالب روایت می شود که برای هر خواننده ای تازگی دارد و حس آن را به جان میخرد. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **شوهر آهو خانم** | | | | | | | | علی محمد افغانی | | | | نگاه | | | | | | | | | | |  | | | | | | | | | | |
| توضیح: شوهر آهو خانم نخستین اثر نویسنده ی آن محسوب می شود که با استقبال بی نظیری در بازار کتاب ایران رو به رو شد. انتشار این رمان حجیم در سال 1340 حادثه ای مهم در بازار کتاب و ادبیات داستانی ایران بود.علی محمد افغانی این رمان را در سالهای زندان-1333 تا 1338 – نوشته است و پس از خروج از زندان اقدام به چاپ آن با هزینه ی شخصی می کند زیرا ناشری حاضر به مخاطره برای چاپ بر روی داستان بلند یک نویسنده ی ناشناس نمی شود. داستان در سال 1313 در کرمانشاه رخ می دهد و درون مایه اصلی داستان با واقعیّت اسف بار زندگی زنان در لایه های پائینی جامعه در آن سالها ارتباطی نزدیک دارد و در نکوهش آئین چند همسری است. در این رمان مناسبات خانوادگی و ضوابط احساسی و عاطفی مرتبط بدان بازنمایی شده است.‏ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **بادها خبر از تغییر فصل‌ها می‌دهند** | | | | | | | | جمال میرصادقی | | | | شباهنگ | | | | | | | | | | | خورشید | | | | | | | | | | |
| توضیح:  «باد‎ها خبر از تغییر فصل می‎دهند» در سال 1363 منتشر شد، درست در دوره‎ای که با پیروزی انقلاب اسلامی و کنار رفتن اختناق حاکم بر فضای سیاسی اجتماعی، نویسندگان و هنرمندان این فرصت را پیدا کردند که به‎سراغ مضامینی بروند که پیش از آن یا امکان پرداختن به آن‎ها را نداشتند و یا اگر هم بدان می‎پرداختند، به شکلی بسیار پنهانی و پیچیده در لایه‎‎هایی از ایما و اشاره بود و بنابراین به همان نسبت که متولیان دستگاه سانسور رژیم پهلوی سر از آن در نمی‎آوردند، خواننده نیز چیز دندان‎گیری از این آثار دستگیرش نمی‎شد. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **گاوخونی** | | | | | | جعفر مدرس صادقی | | | | | | مرکز | | | | | | | | | | | خورشید | | | | | | | | | | |
| توضیح:  گاوخونی به زعم عده ای بهترین  اثر جعفر مدرس صادقی است که در سال ۱۳۶۰ نوشته شده است.داستان روایتی اول شخص دارد که با تعریف یک خواب از زبان راوی شروع می شود.در این اثر انسجام روایی عنصری غایب است و رخدادها از منطقی علی پیروی نمی کنند که این به هم ریختگی بازتابی از آشفتگی ذهن راوی است.زمان داستان گاوخونی بین حال و گذشته سیال است و مکان اتفاقات  دو شهر تهران و اصفهان است. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **سمفونی مردگان** | | | | | | عباس معروفی | | | | | | ققنوس | | | | | | | | | | | ارکیده | | | | | | | | | | |
| **توضیح:**  چکیده آدم‌ها فقط‌ یک‌ نیمه‌ از عمرشان‌ را زندگی‌ می‌کنند، من‌ مال‌ نیمة‌ اول‌ بودم‌ و او نیمة‌ دوم‌. آن‌که‌ نیمه‌ اول‌ عمرش‌ را زندگی‌ کرده‌ است‌، برادری‌ است‌ که‌ تلاش‌ می‌کند تا پا جای‌ پای‌ پدر بگذارد؛ پدری‌ مستبد و تمامیت‌خواه‌. و آن‌که‌ نیمة‌ دوم‌ را زیسته‌ است‌، برادری‌ است‌ شاعر و روشنفکر، جوانی‌ که‌ نماد نسل‌ روشنفکران‌ معاصر ایران‌ است‌. برادر روشنفکر در برابر ابتذال‌ خانه‌ و جامعه‌ عصیان‌ می‌کند، دل‌ به‌ عشق‌ می‌سپارد و تلاش‌ می‌کند اگر نه‌ در جامعه‌ لااقل‌ در گوشة‌ انزوایش‌ دنیایی‌ عاری‌ از پستی‌ و بدخواهی‌ بسازد. برادر دیگر پیش‌ می‌رود و به‌ پدری‌ دیگر بدل‌ می‌شود. تضاد میان‌ برادران‌ ادامه‌ می‌یابد و سرانجام‌ یکی‌ قربانی‌ دیگری‌ است‌. اما سرنوشت‌ این‌ هابیل‌ و قابیل‌ معاصر متأثر از هزاران‌ رویداد تاریخی‌ معاصر است‌؛ رویدادهایی‌ که‌ نه‌ هابیل‌ را چون‌ گذشته‌ باقی‌ گذارده‌اند و نه‌ قابیل‌ را. عباس‌ معروفی‌، روزنامه‌نگار و نویسندة‌ مشهور ایرانی‌، 46 سال‌ دارد، جوایز داخلی‌ و بین‌المللی‌ بسیاری‌ را از آن‌ خود کرده‌ و مدتی‌ است‌ ایران‌ را به‌ ناچار ترک‌ گفته‌ است‌. معروفی‌ اکنون‌ ساکن‌ آلمان‌ است‌، همچنان‌ می‌نویسد و تسلطش‌ بر شیوه‌های‌ مدرن‌ داستان‌نویسی‌ و شناختش‌ از تاریخ‌ و اسطوره‌ او را در زمرة‌ پرمخاطب‌ترین‌ نویسندگان‌ ایرانی‌ قرار داده‌ است‌ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **سال بلوا** | | | | | | | | عباس معروفی | | | | ققنوس | | | | | | | | | | |  | | | | | | | | | | |
| توضیح:  از متن کتاب: می‌دانی اولین بوسه جهان چه‌طور کشف شد؟ دست‌هاش تا آرنج گلی بود گفت که در زمان‌های بسیار قدیم زن و مردی پینه‌دوز یک روز به هنگام کار، بوسه را کشف کردند. مرد دست‌هاش به کار بود، تکه نخی را به دندان کند، به زنش گفت بیا این را از لب من بردار و بینداز. زن هم دست‌هاش به سوزن و وصله بود، آمد که نخ را از لب‌های مرد بردارد، دید دستش بند است، گفت چه کار کنم. ناچار با لب برداشت، شیرین بود، ادامه دادند. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **دریاروندگان جزیره آبی‌تر** | | | | | | | | | | عباس معروفی | | ققنوس | | | | | | | | | | |  | | | | | | | | | | |
| توضیح:  **مجموعه داستان کوتاه‌های عباس معروفی از متن کتاب:** صدای دریا از دور می‌آید. هابیل و قابیل پایان سرنوشت خود را در خلیج پررمز و راز آغاز می‌کنند و دریاروندگانِ جزیرهٔ آبی‌تر، صید مروارید را از یاد می‌برند. آنچه می‌ماند، غروب خورشید بر فراز کپرهاست | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **فریدون سه پسر داشت** | | | | | | | | | | عباس معروفی | | ققنوس | | | | | | | | | | |  | | | | | | | | | | |
| توضیح:  شاید همه چیز با مرگ ناصری آغاز شد. دیشب مغزش از کار افتاد. "ملاقات ممنوع" روی در را برداشته‌اند، هیچ ملاقات‌کننده‌ای نیست. جعبه عکس‌هایش را گذاشته بود روی صندلی، و بدون ترتیب یکی بیرون می‌کشید، تکیه‌اش می‌داد به گلدان روی میز، قدری نگاه می‌کرد، و یکی دیگر برمی‌داشت. جعبه‌ای که سال‌ها با خودش کشیده وشهر به شهر برده بود؛ به قول خودش جعبه افتخارات. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **یوزپلنگانی که با من دویده‌اند** | | | | | | | | بیژن نجدی | | | | مرکز | | | | | | | | | | |  | | | | | | | | | | |
| توضیح:  یوزپلنگانی که با من دویده‌اند کتابی حاوی ده داستان کوتاه از بیژن نجدی است. نام کتاب طبق مطلب مندرج در کتاب از وصیت شاعرانه او گرفته شده‌است. این کتاب تنها کتابی است که در زمان حیات بیژن نجدی از وی منتشر شد. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **سیب ترش** | | | | | | | فرشته نوبخت | | | | | به نگار | | | | | | | | | | | سلوچ | | | | | | | | | | |
| توضیح:  نویسنده این اثر را در دو بخش کلی با عنوان‌های «نامه‌ها و ساعت‌ها» و «نوشتن» تنظیم کرده است. داستان سرنوشت دو دختر دانشجوی سیاسی دانشگاه تهران در دهه‌ی هفتاد را که در یک مثلث عشقی با مردی به نام عطا گرفتار شده‌اند، روایت می‌کند. در بخشی از داستان می‌خوانیم: «دیشب قبل از خواب که تمام شب خواب به چشمم نیامد، در بالکن را باز کردم و چند دقیقه تو تاریکی و سرما ایستادم. رگه‌های سفید برفی را که روی دیوارهای خانه‌ی روبه‌رویی و حاشیه‌ی کوچه نشسته بود تماشا کردم و یادم افتاد که می‌گفتی از باریدن برف، بیشتر از هر چیز صدایش را دوست داری و من به تو می‌خندیدم. آن وقت منی که به تو می‌خندید، گوش تیز کرده بود تا صدایی را که می‌گفتی و آن همه با اصرار بشنود. خیلی خب، راست می‌گویی، حق با توست. برف که می‌بارد، صدایی دارد که فقط در سکوت مطلق می‌شود شنید. مثل وقتی انگشت روی آخرین پرده‌ی تار می‌گذاری و مضراب می‌زنی. مثل وقتی نوک انگشتت را روی سیم سل فشار می‌دهی تا از ارتعاش نامحسوسش کیف کنی.» | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **رویای تبت** | | | | | | | | فریبا وفی | | | | مرکز | | | | | | | | | | | Divane | | | | | | | | | | |
| توضیح:   این اثر جایزه‌ی بهترین رمان بنیاد هوشنگ گلشیری و مهرگان ادب را از آن خود کرده است. داستان زندگی شیوا از زبان خواهرش شعله روایت می‌شود. شعله که در رابطه‌ی عاطفی خود شکست خورده به منزل خواهرش پناه می‌آورد. زندگی خانوادگی شیوا و همسرش جاوید بر مبنای منطق پیش می‌رود و حتی روابط عاطفی هم در این خانواده قانون‌های خاص خود را دارد. شیوا به این نکته پی برده که همیشه جای احساسات در زندگی‌اش خالی است، ولی جاوید چنین نظری ندارد. در طول داستان شیوا ارتباط عاطفی‌ای با صادق، دوست جاوید برقرار میکند و تصمیم به تغییر مسیر زندگی‌اش می‌گیرد. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **ترلان** | | | | | | | | فریبا وفی | | | | | مرکز | | | | | | | | | | آذری قیز | | | | | | | | | | |
| توضیح:  شخصیت‌های اصلی داستان دو دختر به نام‌های ترلان و رعنا هستند؛ دو دوست هم‌مدرسه اي كه تصميم مي‌گيرند پاسبان شوند. آن‌ها به تهران مي‌آيند و پس از گذراندن دوره‌ي آموزشي سخت و پررنج، سرانجام به آرزویشان می‌رسند. ترلان که دختری کتاب‌خوان و اهل نوشتن است درباره‌ی اتفاقاتی که در این محیط رخ می‌دهد می‌نویسد. او ساکت است و اهل رفتارها و کارهای دخترانه نیست. همین سبب می‌شود که در پایان دوره علاوه بر پاسبان، نويسنده هم بشود. در بخشی از داستان می‌خوانیم: «ترلان سرش را تکان می‌دهد. به همین سادگی کلمات محکم و آشنای زندگی‌اش بی‌مصرف شده بودند. به درد نوشتن انشای سوزناک می‌خوردند ولی به کار توضیح زندگیجدیدش نمی‌آمدند. زندگی‌اش عوض شده بود و کلماتش نه. کلمات عاریه‌ی جدیدی را در اختیارش گذاشته بودند اما آنها مثل مورچه‌های سیاه از سر و رویش بالا می‌رفتند، گوشت تنش را گاز می‌گرفتند و عذابش می‌دادند. باید به رعنا بگویدکه کلمات خودش را می‌خواهد، کلماتی که مثل گیاهانی ترد و نازک با دست‌های خودش پرورده باشد. مال خودش باشد.» | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **ها کردن** | | | | | | | | پیمان هوشمندزاده | | | | | چشمه | | | | | | | | | | خورشید | | | | | | | | | | |
| توضیح:  بعضی‌چیزها می‌رود توی مخم؛ مثلاً همین‌بوی کباب. این‌که همسایه‌ها بوی کباب راه می‌اندازند، به‌خاطر این نیست‌که روی مخم کارکنند. همین‌طوری نمی‌گویم، روی این‌جریان فکر کرده‌ام. نه، نیست. مگر مردم بی‌کارند؟ اگر بود شک نداشتم‌که دیوانه‌ام، ولی به‌خاطر بوی کباب هم‌که نمی‌شود از کسی شکایت‌کرد. بروم بگویم بنده‌های خدا توی بالکن‌شان منقل کباب گذاشته‌اند؟ یا این‌که زیر پنجره‌ام می‌زنند زیر آواز؟ روی اجاق خانه‌ام سیخ کباب برّه‌ام خانه‌به‌خانه می‌رود بوی کباب برّه‌ام | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| 1. **لذتی که حرفش بود** | | | | | | | | | | | پیمان هوشمند زاده | | | | | | | | | | | چشمه | | | | | | | | | | |  |
| توضیح:  لذتی که حرفش بود مجموعه‌ای است از ناب‌ترین تجربه‌های به‌ظاهر پیش‌پاافتاده و هرروزه‌ی ما. مجموعه‌ای از بدیهیات، آن‌قدر که کمتر کسی به‌شان فکر می‌کند. پیمان هوشمندزاده و منطق روایی ساده و روانش، کولاژوار قطعاتی از مشاهدات هر انسانی را از پیرامونش و خاطراتش کنار هم چیده، جوری که برای خواننده چاره‌ای جز حیرت کردن نمی‌ماند. این تکه‌ها و در کلیتشان این مقالات، عریان کننده‌ی یکی از بارزترین کمبودهای هنر معاصر ماست؛ قدرت دیدن، شناختن و شکافتن ساده‌ترین اتفاقات جاری زندگی و حرف زدن راجع‌به‌شان. گاهی لازم است انگشت عکاس برای فشردن شاتر بلرزد، قلم در دستان نویسنده بلغزد و مخاطب جسارت کندوکاو در جزئی‌ترین رکن اثر پیش رویش را بیابد. این کتاب، به قول نویسنده‌اش، «توضیح واضحات» است. | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |

مراجع و منابع:

|  |  |
| --- | --- |
| <http://dankoob.com>  <http://cloob.com>  <https://bookroom.ir>  <https://iranketab.ir>  <https://netnevesht.com>  <http://lisna.ir>  <https://navaar.ir>  <http://farest.blogsky.com>  <http://finema.ir>  <https://fa.wikipedia.org>  <https://rangirangi.com>  <http://asrenevisande.blog.ir>  <http://nashreney.com>  http://ofoqbook.blogfa.com  [http:// ofoqco.com](http://www.ofoqco.com)  [https:// digikala.com](https://www.digikala.com)  <http://blog.landcart.ir>  http://blog.karoj.com  <http://www.lisna.ir>  http:// karaketab.com  <http://sadegh56.blogfa.com>  [https:// pitkoo.com](https://www.pitkoo.com)  https:// khabaronline.ir  http:// hakimaneha.ir  http:// iranpdf.com  <https://novler.com> | <http://bestbooks.blogfa.com>  <http://ketabnak.com>  <http://dorsabook.ir>  <http://ashja.com>  <http://tnews.ir>  <https://ketabrah.ir>  <http://shahreketabonline.com>  <http://ghadyani.org>  http:// ibna.ir  <http://ketabamoon.blogsky.com>  http://naqderooz.com  <http://whiteworld.blog.ir>  <https://negahpub.com>  <http://mihandownload.com>  <http://karaketab.com>  <http://ketabeshargh.com>  <http://kafebook.ir>  http:// ketab.ir  http://taktafile.ir  http:// ketabeshargh.com  <http://amirmehdi.com>  <https://nashremahi.com>  <https://netnevesht.com>  <http://naahid.com>  <http://book.karnil.com>  <http://naakojaa.com>  <http://shelffee.com> |